

رساله به غلاطیان

مشخصات رساله به غلاطیان:

هدف:

رد نظر شریعت گراها (یعنی کسانی که تعلیم می‌دادند که ایمانداران غیریهودی برای دریافت نجات، باید شریعت یهود را اطاعت کنند)، و فراخواندن مسیحیان به ایمان مسیحی و آزادی در مسیح.

نویسنده:

پولس

گیرندگان:

کلیساهای غلاطیه جنوبی که طی سفر اول بشارتی پولس بنیاد نهاده شد (شامل ایقونیه، لستره، دربه)

تاریخ نگارش:

در حدود سال ۴۹ میلادی، از انطاکیه، پیش از شورای اورشلیم (۵۰ م.)

علت نگارش:

مهم‌ترین اختلافی که در کلیسای اولیه وجود داشت، بر سر رابطه نوایمانان، مخصوصاً غیریهودیان با شریعت یهود بود. این موضوع برای نوایمانان و کلیساهای نوینبادی که پولس طی سفر اول بشارتی‌اش بنا نهاده بود، مشکل بزرگی بود. پولس این نامه را می‌نویسد تا این مشکل را حل کند. بعداً در شورای اورشلیم، رهبران کلیسا به‌طور رسمی این مشکل را حل و فصل کردند.

آیه کلیدی:

«پس اکنون که مسیح شما را آزاد کرده است» (۱:۵)



خانواده‌ای را مجسم کنید که از ظلم و بیداد مملکت خود، فرار می‌کند و با عبور از مرز، به کشوری امن پناه می‌برد؛ یا مردی را تصور کنید که تازه از زندان آزاد شده و بیرون از دیوارهای زندان ایستاده، با نفس‌هایی عمیق هوای تازه و آزاد را استنشاق می‌کند؛ یا به جوانی فکر کنید که به‌تازگی مواد مخدر را ترک کرده و اثر آنها از بدن او محو شده ... همه اینها ما را به یاد آزادی می‌اندازد؛ این افراد با انتظارات و آرزوهای جدید، می‌توانند زندگی را از نو آغاز کنند.

آزادی یعنی زندگی، چه به معنای گریختن از ظلم و ستم باشد، چه به معنای پناهندن به بیرون از زندان، یا پایان دادن به عاداتی مرگ‌آور. هیچ چیز هیجان‌انگیزتر از دانستن این واقعیت نیست که گذشته فراموش شده و راه جدیدی در انتظار است. مردم آرزو می‌کنند که آزاد باشند.

کتاب غلاطیان بیانیه آزادی مسیحی است. پولس در این نامه پرمحتوا، حقیقت آزادی ما را در مسیح اعلان می‌کند، یعنی آزادی از شریعت و قدرت گناه، برای خدمت به خداوند زنده‌مان.

ایمانداران نخستین و رهبران اولیه در کلیسا، اغلب مسیحیان یهودی‌نژادی بودند که عیسی را به‌عنوان مسیح موعود پذیرفته بودند. آنان در مقام مسیحیان یهودی‌نژاد، بین دو نیرو گرفتار بودند: یکی یهودیت آنها بود که ایشان را ملزم می‌ساخت که پیروان جدی شریعت باشند؛ و دیگری ایمان جدیدشان به مسیح بود که آنان را فرا می‌خواند تا به ستایش آزادی مقدسی که در آن داخل شده بودند، بپردازند. آنها در شگفت بودند که چگونه امت‌ها (غیریهودیان) می‌توانند سهمی در ملکوت آسمان داشته باشند.

مناقشه و کشمکش میان این دو نیرو، موجب شکست کلیسای اولیه شد. شریعت گراها - یعنی جناح افراطی در کلیسا - تعلیم می‌دادند که مسیحیان غیریهودی باید علاوه بر ایمان آوردن به مسیح، از شریعت و رسوم یهودی نیز متابعت کنند.

پولس در مقام مبشر غیریهودیان لازم بود که بارها با این موضوع مقابله کند. بنابراین، علت نگارش رساله به غلاطیان، رد تعلیم شریعت گراها و فراخواندن ایمانداران بسوی انجیل راستین می‌باشد. انجیل متعلق به همه است چه یهودی و چه غیریهودی. نجات بوسیله فیض خدا بواسطه ایمان به مسیح عیسی است و بس. ایمان به مسیح به معنای آزادی واقعی است.

پس از یک مقدمه کوتاه (۵:۱-۱)، پولس کسانی را مخاطب قرار می‌دهد که انجیل تحریف‌شده شریعت گراها را پذیرفته بودند (۶:۱-۹). او این اختلاف‌نظرها و نیز برخوردی را که شخصاً با پطرس و دیگر رهبران کلیسا داشت، به‌طور خلاصه بیان می‌کند (۱۰:۱ - ۱۶:۲). سپس با اشاره به نحوه ایمان آوردن خودش (۱۷:۲-۲۱)، و همچنین با یادآوری تجربه‌ای که خود خوانندگان نامه از انجیل داشتند (۱:۳-۵)، و بالاخره با ارائه تعلیمی که کتب عهدعتیق از فیض می‌دهند (۳:۶-۲۰)، ثابت می‌کند

افراد مهم:

پولس، پطرس، برنابا، تیطوس،
ابراهیم، معلمین دروغین

محل های مهم:

غلاطیه، اورشلیم

جنبه های خاص:

این نامه برای گروه خاصی از
ایمانداران نوشته نشده و احتمالاً
بین چندین کلیسا منتشر شده
است.

که نجات فقط بوسیله ایمان بدست می آید. سپس، هدف از شریعت و رابطه شریعت با
وعده های خدا و مسیح را شرح می دهد (۲۱:۳ - ۳۱:۴).

پولس بعد از اینکه این اساس را برای استدلال خود می نهد، موضوع آزادی مسیحی را
عنوان می کند. ما بوسیله ایمان نجات پیدا کرده ایم، نه بوسیله اعمال (۱:۵-۱۲)؛ آزادی
ما به این معناست که برای محبت و خدمت کردن به یکدیگر آزادیم، نه برای گناه
کردن (۱۳:۵-۲۶)؛ و مسیحیان باید متحمل بارهای یکدیگر شوند و نسبت به هم
مهربان باشند (۱:۶-۱۰). در ۱۱:۶-۱۸، پولس قلم را خودش بدست می گیرد و آخرین
اندیشه های خود را می نویسد.

وقتی رساله به غلاطیان را می خوانید، سعی کنید تعارضی را که در قرن اول بین
شریعت و فیض، ایمان و عمل، وجود داشت درک کنید، و همچنین مراقب مشابهات
امروزی آنها باشید. مانند پولس از حقیقت انجیل دفاع کنید و از تمام کسانی که
چیزی به این حقیقت اضافه یا آن را تحریف می کنند، پرهیزید. شما در مسیح آزاد
هستید؛ در این آزادی شادی کنید.

تقسیم بندی کلی

۱- اصالت انجیل

(۱:۱ - ۲:۲)

۲- برتری انجیل

(۱:۳ - ۳:۴)

۳- آزادی انجیل

(۱:۵ - ۱۸:۶)

پولس در پاسخ به حملاتی که از سوی معلمین دروغین می شد، برای
دفاع از رسالت خود و همچنین دفاع از اصالت انجیل، این نامه را
می نویسد. غلاطیان کم کم از ایمان بسوی شریعت گرایی کشیده
می شدند. مبارزه بین انجیل و شریعت گرایی هنوز هم یک مشکل بحرانی
است. بسیاری امروز از ما می خواهند که برای کسب رضایت خدا باز هم
سعی کنیم با بهجا آوردن مراسم و اطاعت از یک سری احکام به این
مقصود برسیم. ما مسیحیان محدود به یک سری قوانین نیستیم، بلکه
آزادیم. برای اینکه آزادی خود را حفظ کنیم، باید به مسیح نزدیک
باشیم و در برابر هر کسی که سعی دارد با تبلیغ روشهای بسیار
هوشمندانه، ما را از نجات بی نصیب سازد، مقاومت کنیم.

موضوعات مهم

موضوع

توضیحات

اهمیت

شریعت

عده‌ای از معلمین یهودی نژاد اصرار داشتند که ایمانداران غیریهودی، شریعت یهود و سنن را به‌جا آورند. آنها معتقد بودند که شخص علاوه بر ایمان به مسیح، با پیروی از شریعت موسی (با تأکید بیشتر بر روی ختنه که علامت عهد بود) نجات پیدا می‌کند. پولس با اثبات این حقیقت که شریعت نمی‌تواند هیچکس را نجات دهد، با آنها مخالفت کرد.

ما با حفظ شریعت عهدعتیق، حتی ده فرمان، نمی‌توانیم نجات پیدا کنیم. شریعت نقش راهنمایی را داشت که نیاز ما را به بخشش به ما خاطرنشان می‌ساخت. مسیح وظیفه ما را نسبت به شریعت به انجام رساند. ما باید بسوی مسیح بازگشت کنیم تا نجات بیابیم. فقط اوست که می‌تواند ما را در حضور خدا پاک سازد.

ایمان

خدا ما را به‌خاطر الطاف خود از داوری و مجازات گناه رهایی داده است. ما با ایمان و توکل به خود خدا و نه چیز دیگری، نجات را دریافت می‌کنیم. مسیحی شدن به هیچ وجه براساس ابتکار، عقل و شخصیت خوب بدست نمی‌آید. ما تنها با ایمان به خدا می‌توانیم در حضور او پاک شویم.

فقط با ایمان آوردن به مسیح، خدا شما را به‌حضور خود می‌پذیرد. شما هرگز نباید چیزی به این حقیقت اضافه و یا آن را تحریف کنید. ما با ایمان نجات پیدا می‌کنیم، نه با اعمال خوب. آیا شما تمام و کمال به مسیح اعتماد دارید و به او توکل کرده‌اید؟ تنها او می‌تواند شما را ببخشد و بحضور خدا بیاورد.

آزادی

رساله به غلاطیان بیانیه آزادی مسیحی ماست. ما نه تحت قدرت مراسم و شریعت یهود قرار داریم و نه تحت اقتدار رهبران اورشلیم. ایمان به مسیح، آزادی واقعی از گناه را به ارمغان می‌آورد و ما را از تلاش‌های بی‌فایده برای پاک شدن در حضور خدا از طریق حفظ شریعت، رهایی می‌دهد.

ما در مسیح آزادیم، و این آزادی یک امتیاز است. ما آزاد نیستیم که از مسیح ناطاعتی کنیم یا بی‌بندوبار باشیم، بلکه آزادیم تا بتوانیم مسیح قیام‌کرده را خدمت کنیم. بیایید از آزادی خود در جهت محبت و خدمت کردن استفاده کنیم، نه برای گناه کردن.

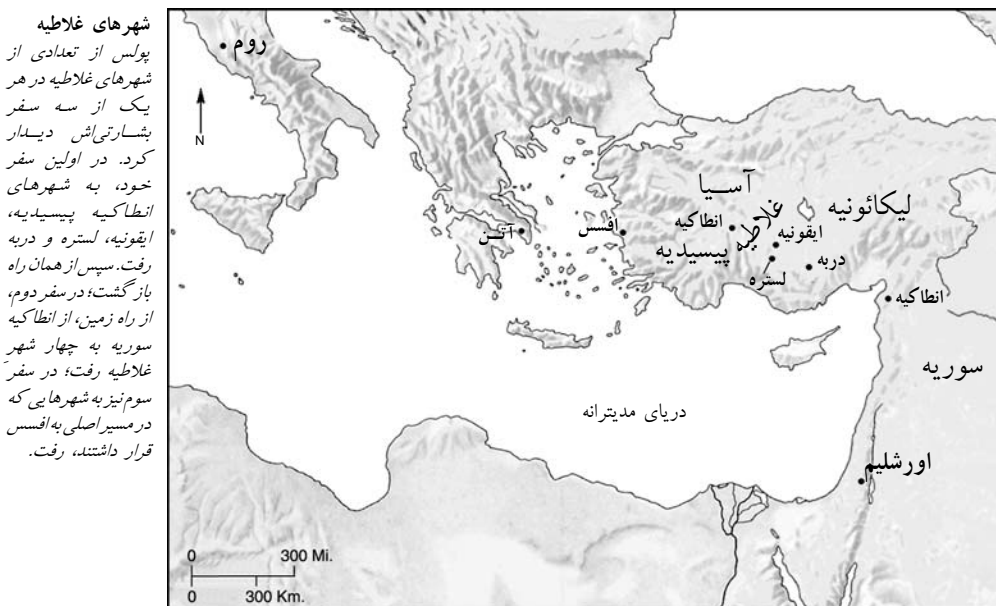
روح‌القدس

ما بواسطه کار روح‌القدس مسیحی می‌شویم. او حیات جدیدی به ارمغان می‌آورد؛ حتی ایمان اولیه ما به مسیح، هدیه‌ای است از او. روح‌القدس تعلیم می‌دهد، راهنمایی می‌کند، رهبری می‌کند، و به ما قدرت می‌بخشد. او به اسارت ما در خواهش‌های گناه‌آلود خاتمه می‌دهد، و محبت، خوشی، صلح، و بسیار دیگر گونی‌های دیگر در ما بوجود می‌آورد.

وقتی روح‌القدس ما را رهبری می‌کند، ثمره‌های خود را در ما تولید می‌کند. همانطور که ما با ایمان و نه با اعمال نجات پیدا می‌کنیم، همچنین با ایمان نیز رشد می‌کنیم. با ایمان می‌توانیم روح‌القدس را در خود داشته باشیم تا ما را در زندگی روحانی یاری دهد. با پیروی از رهبری روح‌القدس، از مسیح اطاعت کنید.

۱- اصالت انجیل

از طرف من، پولس رسول، و تمام برادرانی که در اینجا با من می‌باشند،
 به کلیساهای ایالت غلاطیه.
 از درگاه خدای پدر، و خداوندان عیسی مسیح، طالب رحمت و آرامش برای
 شما هستم.



عهد عتیق یا شریعت یهود، نجات را به ارمغان نخواهد آورد.
 شخص بوسیله فیض از طریق ایمان نجات پیدا می‌کند.
 شریعت یهود شرطی برای نجات نیست. پولس این نامه را در
 حدود سال ۴۹م، کمی پیش از شورای اورشلیم نوشت. این
 شورا برای رسیدگی به مناقشه‌ای که بر سر موضوع شریعت در
 مقابل فیض بوجود آمده بود، تشکیل شد (اعمال فصل ۱۵).
 ۱:۱ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره زندگی پولس،
 به تاریخچه زندگی او در اعمال فصل ۹ مراجعه کنید. به
 هنگام نوشتن این نامه، پانزده سال از زمان مسیحی شدن
 پولس می‌گذشت.

۲:۱ در زمان پولس، غلاطیه ایالتی رومی بود که در بخش
 مرکزی ترکیه امروزی قرار داشت. بخش وسیعی از این
 منطقه، بر فلات بزرگ و حاصل‌خیزی واقع بود و عده زیادی
 از ساکنان آن، به‌خاطر موقعیت خوب جغرافیایی‌اش به آنجا
 کوچ کرده بودند. یکی از اهداف پولس در سفرهای
 بشارتی‌اش، این بود که مناطق پرجمعیت را ملاقات کند تا
 بتواند به عده بیشتری بشارت دهد.

۱:۱ پولس و برنابا تازه سفر اول بشارتی‌شان را به پایان
 رسانده بودند، سفری که طی آن به شهرهای ایقونیه، لستره و
 دربه در ایالت غلاطیه (واقع در ترکیه فعلی) رفته بودند
 (اعمال ۲:۱۳-۲۸:۱۴). درست پس از بازگشت به انطاکیه،
 برخی از مسیحیان یهودی‌نژاد، پولس را متهم کردند که
 تعالیم مسیحیت را تضعیف کرده تا بیشتر خوشایند
 غیریهودیان باشد. این مسیحیان یهودی‌نژاد با این نظر پولس
 موافق نبودند که غیریهودیان نیازی ندارند بسیاری از قوانین
 مذهبی را که یهودیان قرن‌ها از آنها متابعت کرده بودند،
 پیروی کنند. برخی از کسانی که پولس را متهم کرده بودند،
 او را حتی تا شهرهای غلاطیه دنبال کردند و به نوایمانان
 غیریهودی می‌گفتند که برای اینکه نجات پیدا کنند باید
 تمامی قوانین و سنت‌های یهود را به‌جا آورند. به‌طور خلاصه،
 مطابق با نظر این عده، غیریهودیان برای مسیحی شدن
 می‌بایست یهودی می‌شدند.

در پاسخ به این خطر، پولس این نامه را به کلیساهای غلاطیه
 نوشت. او در این نامه توضیح می‌دهد که پیروی از قوانین

اگر من خود را رسول می‌خوانم، منظورم آن نیست که یک گروه مذهبی یا هیأتی مرا بعنوان رسول بکار گمارده‌اند. رسالت و مأموریت من از جانب عیسی مسیح و خدای پدر است، خدایی که او را پس از مرگ زنده کرد.^۴ زیرا مسیح، به خواست پدر ما خدا، جان خود را فدا کرد و مُرد تا گناهان ما بخشیده شود و از این دنیای آلوده به گناه نجات یابیم.^۵ خدا را تا به ابد جلال و عزت باد! آمین.

۴:۱
یو ۱۹:۱۵ ؛ ۱۴:۱۷
روم ۲۵:۴
۵:۱
روم ۳۶:۱۱

انجیل دیگری وجود ندارد

عجب می‌کنم که شما به این زودی از خدا روگردان شده‌اید، از خدایی که از روی لطف و محبت خود، شما را دعوت کرده تا در حیات جاودانی که بوسیلهٔ

۶:۱
قرن ۲:۱۱

مشخصه انجیل حقیقی	مشخصه اناجیل دروغین	مشخصه انجیل حقیقی و اناجیل دروغین
۱۲:۱ و ۱۱:۱ تعلیم می‌دهد که خدا سرمنشأ انجیل است.	۲۱:۲ مرگ مسیح را بی‌معنی تلقی می‌کند.	
۲۰:۲ می‌داند که حیات بواسطه مرگ بدست می‌آید؛ ما به خدای اطمینان داریم که ما را محبت کرد و برای ما مرد تا ما نیز نسبت به گناه بمیریم و برای او زندگی کنیم.	۱۲:۳ می‌گوید که مردم برای نجات یافتن باید از شریعت اطاعت کنند.	
۱۴:۳ بیان می‌کند که همه ایمانداران بواسطه ایمان، روح‌القدس را دارند.	۱۰:۴ سعی می‌کند با برگزار کردن تشریفات خاصی، رضایت خدا را جلب کند.	
۲۲:۳ و ۲۱:۳ اعلان می‌کند که با نگاه داشتن شریعت، نمی‌توانیم نجات پیدا کنیم؛ تنها راه نجات که برای همگان مهیا شده است، ایمان به مسیح می‌باشد.	۵:۴ حفظ دستورهای مذهبی را راهی برای پاک شدن گناهان می‌داند.	
۲۸-۲۶:۳ می‌گوید که همه ایمانداران در مسیح یک هستند، پس تبعیضی برای هیچ نژادی وجود ندارد.		
۲۵:۲۴ و ۲۵:۵ اعلان می‌کند که ما از چنگال گناه آزاد شده‌ایم و قدرت روح‌القدس ما را پر می‌سازد و ما را هدایت می‌کند.		

کرده است، بلکه به این معناست که دیگر اسیر آن نیستیم. خدا ما را نجات داده تا در حضور او زندگی پاکی داشته باشیم؛ او وعده حیات ابدی را به ما داده است.

۶:۱ «راه دیگر» پیام کسانی بود که معتقد بودند ایمانداران غیریهودی برای بدست آوردن نجات، باید از شریعت یهود پیروی کنند. کسانی که «راه دیگری» را اعلان می‌کردند، معتقد بودند که ایمان به مسیح کافی نیست و فرد مسیحی علاوه بر ایمان به مسیح، باید شریعت و سنن یهود، بخصوص رسم ختنه را نیز اجرا کند تا نجات

۲:۱ خود عیسی مسیح پولس را به خدمت فرا خوانده بود. او در همان آغاز نامه، صلاحیت‌های خود را بعنوان یک رسول آشکار می‌کند، چون برخی از غلاطیان قدرت و اختیار او را زیر سؤال برده بودند.

۵-۳:۱ نقشه خدا از ابتدا این بود که ما را بوسیله مرگ مسیح نجات دهد. او ما را از قدرت این دنیای آلوده به گناه - دنیایی که شیطان بر آن حکمرانی می‌کند و پر از ظلم و ستم، مصیبت، و سوسه، و فریب است - رهایی داده است. رهایی از دنیای گناه‌آلود به این معنا نیست که خدا ما را از آن خارج

مسیح عطا می کند، شریک باشید. شما می خواهید از «راه دیگری» به این نجات و حیات جاودانی دست یابید. اما این راهی که شما در پیش گرفته اید، هرگز به حیات جاوید نخواهد رسید.^۷ زیرا غیر از راهی که به شما اعلام کردیم، راه دیگری وجود ندارد. آنانی که راه دیگری به شما معرفی می کنند، می خواهند شما را فریب داده، حقیقت انجیل مسیح را دگرگون کنند.

^۸ اگر کسی بخواهد راه دیگری برای رستگاری به شما معرفی کند، بغیر از آن راهی که ما به شما اعلام کردیم، خدا او را لعنت کند، حتی اگر این شخص خود من باشم. اگر فرشته ای نیز از آسمان فرود آید و شما را بسوی راه دیگری

۷:۱

اعما ۱:۱۵

غلا ۱۰:۵

۸:۱

قرن ۱۴:۱۱

است: (۱) اشتیاق قلبی برای تلفیق یهودیت با ایمان تازه مسیحی؛ (۲) عشق صادقانه نسبت به میراث مذهب یهودی شان؛ یا (۳) از میان بردن قدرت و اختیار پولس، به خاطر حسادت به او. چه تعالیم این شریعت گراها از روی خلوص نیت بوده یا نبوده باشد، تعالیشان برای کلیساهای نو بنیاد خطری محسوب می گشت و می بایست خنثی می شد. پولس هر چیز یهودی را رد نمی کرد. او خودش یک یهودی بود که در معبد عبادت می کرد و در اعیاد مذهبی شرکت می جست. اما او نگران این موضوع بود که مبدا چیزی به حقیقت ساده پیامش اضافه شود، یعنی به این حقیقت که چه یهودیان و چه غیر یهودیان فقط بوسیله ایمان به مسیح نجات پیدا می کنند.

۷:۱ گاه مقابله کردن با حقیقت تحریف شده، مشکل تر است از رویارویی با دروغ آشکار. شریعت گراها حقیقت مربوط به مسیح را تحریف می کردند. آنها مدعی پیروی از مسیح بودند، اما منکر این حقیقت می شدند که کار مسیح روی صلیب برای نجات انسانها کفایت می کند. همیشه خواهند بود کسانی که پیام انجیل را تحریف می کنند. اینان یا تعالیم کتاب مقدس را نمی فهمند، یا از رویارویی با حقیقت، آن طور که هست، می هراسند. چطور می توانیم پی به تحریف حقیقت ببریم؟ قبل از پذیرفتن تعالیم هر گروهی، ببینید تعالیم آن گروه درباره عیسی مسیح چیست. اگر تعالیم آنها با کلام خدا مطابقت نداشته باشد، پس حقیقت را تحریف کرده اند.

۹:۸-۱۰ کاری که شریعت گراها می کردند، بقدری بد بود که پولس برای محکوم کردن عمل آنها، از کلمات شدیدالحنی استفاده می کند. او می گوید حتی اگر فرشته ای از آسمان هم بیاید و پیام دیگری را موعظه کند، لعنت ابدی بر او باد. اگر فرشته ای بیاید و پیام دیگری را موعظه کند، چنین فرشته ای از جانب خدا نیست، تفاوتی هم نمی کند چه منظری داشته باشد. پولس

بباید. این پیام باعث تضعیف این حقیقت انجیل می شد که نجات هدیه است نه پاداش اعمال ما. عیسی مسیح این هدیه را نه فقط در دسترس کسانی که با یهودیت خو گرفته اند، بلکه در اختیار همه مردم گذاشته است. از کسانی که می گویند ایمان به مسیح به تنهایی برای نجات یافتن کافی نیست، برحذر باشید. کسانی که برای نجات یافتن شروط دیگری مقرر می دارند، قدرت کفار مسیح را روی صلیب انکار می کنند (مراجعه کنید به ۱:۳-۵).

۷:۱ هیچ شخص، روش، یا رسم دیگری نمی تواند حیات ابدی ببخشد. فقط یک راه وجود دارد تا بتوانیم ابدیت را با خدا بگذرانیم و آن هم ایمان به عیسی مسیح به عنوان خداوند و نجات دهنده می باشد. برخی فکر می کنند که همه مذاهب راههای قابل قبولی بسوی خدا هستند. اما این آن چیزی نیست که خدا می گوید. او فقط یک راه مهیا کرده است که آن هم عیسی مسیح است (یوحنا ۱۴:۶).

۷:۱ کسانی که ایمانداران غلاطیه را فریب داده بودند، مسیحیان یهودی نژاد متعصبی بودند که اعتقاد داشتند که مسیحیان باید مراسم عهدعتیق نظیر ختنه و احکام مربوط به خوراکیهای حلال و حرام را رعایت کنند. از آنجا که این معلمین می خواستند مسیحیان غیر یهود را یهودی کنند، **شریعت گرا** نامیده می شدند. مدتی بعد از فرستادن نامه به غلاطیان، پولس رسولان را در اورشلیم ملاقات کرد تا تبادل نظر بیشتری درباره این مسأله به عمل آورند (مراجعه کنید به اعمال فصل ۱۵).

۷:۱ مسیحیان غلاطیه اکثراً یونانی بودند و با شریعت و سنن یهود آشنایی نداشتند. شریعت گراها جناح افراطی از مسیحیان یهودی نژاد بودند. هر دو گروه به مسیح ایمان داشتند، اما شیوه زندگی شان به طور چشم گیری متفاوت بود. ما نمی دانیم چرا شریعت گراها به غلاطیه سفر کرده بودند تا عقیده غلط خود را به نوایمانان غیر یهودی تعلیم دهند. شاید انگیزه آنها یکی از این موارد بوده

هدایت کند، لعنت خدا بر او باد! ^۹ باز تکرار می‌کنم: اگر کسی مؤثده نجات دیگری، غیر از آنچه که پذیرفته‌اید، به شما ارائه دهد، لعنت خدا بر او باد! ^{۱۰} هدف من این نیست که با تملق و چاپلوسی، اعتماد شما را به خود جلب کنم. کوشش من خشنود ساختن خداست؛ اگر تابحال در پی جلب خشنودی مردم می‌بودم، هرگز نمی‌توانستم خدمتگزار واقعی مسیح باشم.

پولس پیام انجیل را از خدا دریافت کرد

^{۱۱} ای برادران، خدا شاهد است که این راه نجات که من بشارت می‌دهم، زائیده فکر و خیال انسانی نیست. ^{۱۲} زیرا خود عیسی مسیح مستقیماً آن را بر من آشکار و مکشوف ساخت. بلی، من آن را از هیچکس دریافت نکردم و از هیچ انسانی نیاموختم. ^{۱۳} بدون شک سرگذشت مرا هنگامی که هنوز پیرو دین یهود بودم شنیده‌اید، که چگونه به تعقیب مسیحیان می‌پرداختم و ایشان را با بی‌رحمی شکنجه و آزار می‌دادم و همیشه در پی آن بودم که ریشه آنان را از زمین بر کنم. ^{۱۴} من از بیشتر همسالان یهودی خود مؤمن‌تر بودم و نسبت به اجرای رسوم و سنت‌های مذهب تعصب زیادی داشتم.

۹:۱
تث ۲:۴ : ۳۲:۱۲
امث ۶:۳۰
مکا ۱۸:۲۲
۱۰:۱
اتسا ۴:۲

۱۱:۱
اقرن ۱:۱۵ : ۳-۱
۱۲:۱
اقرن ۱۰:۲
غلا ۱۶:۵ : ۱۱
افس ۳:۳
۱۳:۱
اعما ۳:۸ : ۲۱:۹
۱۱-۴:۲۶ : ۵-۳:۲۲
۱۴:۱
اعما ۳:۲۶

توبه او استثنایی بود (۱۶و۱۵:۱)، همچنین مراجعه کنید به اعمال (۹-۱:۹)؛ سایر رسولان خدمت او را تأیید کرده بودند (۱۹و۱۸:۱ : ۹-۱:۲). پولس صلاحیت‌های خود را به قرن‌تین و فیلیپیان هم ارائه داده بود (۲قرن‌تین ۱۱و ۱۲؛ فیلیپیان ۳:۴-۹).

۱۲:۱ پولس خودش تصمیم نگرفته بود که رسول شود؛ مسیح او را برای این کار برگزید. اساس موعظه پولس و قدرت و اختیاری که در موعظه‌ها داشت، به‌هیچ روی از حکمت انسانی سرچشمه نمی‌گرفت. انجیلی که پولس به آن موعظه می‌کرد، بر قدرت و اختیار خود عیسی مسیح متکی بود. از آنجا که عیسی رسولان را برگزید تا پیام‌آوران مخصوص او باشند، بیایید در مقابل مسیح سر تعظیم و تسلیم فرود آوریم و تعالیم رسولان را در عهد جدید، به جان بپذیریم.

۱۳:۱و ۱۴ پولس یکی از مذهبی‌ترین یهودیان زمان خود بوده است؛ او با دقت زیاد شریعت را نگاه می‌داشت و با بی‌رحمی مسیحیان را جفا می‌رسانید (مراجعه کنید به اعمال ۹:۱و ۲). او پیش از توبه حتی بیش از شریعت‌گراها برای شریعت غیرت داشت. غیرت او صادقانه، اما نادرست بود. وقتی مسیح را ملاقات کرد، زندگی‌اش دگرگون شد. بعد از آن، تمامی نیروی خود را صرف بنای کلیسا کرد.

در ۲قرن‌تین ۱۱و ۱۵ هشدار می‌دهد که شیطان و فرشتگان‌ش می‌توانند خود را به‌صورت فرشته نور درآورند. او در اینجا فرشته‌ای را که انجیل دروغین را منتشر می‌سازد، لعنت می‌کند. این پاسخی است مناسب به پیک جهنم. پولس لعنت را شامل حال خود هم می‌کند. پیام او هرگز نباید تغییر کند، چون حقیقت انجیل هرگز تغییر نمی‌کند. لحن پولس تند و قاطع است چون این مسأله مرگ و زندگی می‌باشد.

۱۰:۱ پولس می‌بایست با مسیحیان غلاطیه تند صحبت می‌کرد چون آنها در معرض خطری جدی قرار داشتند. او به‌خاطر لحن صریحش معذرت خواهی نکرد؛ او می‌دانست که اگر بگذارد مسیحیان غلاطیه در مسیر نادرست بمانند، خادم صادق مسیح نخواهد بود. شما سعی دارید چه کسی را خشنود کنید، مردم را یا خدا را؟ دعا کنید تا شهامت داشته باشید که اول رضایت خدا را جلب کنید.

۱۱:۱ چرا باید غلاطیان به‌جای گوش فرا دادن به شریعت‌گراها به سخنان پولس گوش می‌کردند؟ او با ارائه دلایلی در خصوص صلاحیتش در مقام یک رسول، به این سؤال تلویحی پاسخ می‌دهد؛ این دلایل اینها هستند: او پیامش را مستقیماً از مسیح گرفته بود (۱۲:۱)؛ او قبلاً یک یهودی نمونه بوده است (۱۳:۱و ۱۴)؛ تجربه

۱۶:۱۵ اما ناگهان همه چیز تغییر کرد! زیرا خدایی که مرا از شکم مادر برگزیده بود، از روی لطف و رحمتش، فرزند خود را بر من آشکار ساخت و او را به من شناساند تا بتوانم نزد اقوام غیریهودی رفته، راه نجات بوسیله عیسی مسیح را به ایشان بشارت دهم.

وقتی این تغییر در من پدید آمد، باهیچکس در این باره سخن نگفتم.^{۱۷} حتی به اورشلیم هم نرفتم تا با کسانی که پیش از من به رسالت برگزیده شده بودند، مشورت کنم. بلکه به بیابانهای عربستان رفتم، و پس از مدتی، به شهر «دمشق» باز گشتم.^{۱۸} بعد از سه سال، سرانجام به اورشلیم رفتم تا با پطرس ملاقات کنم. در آنجا مدت پانزده روز با او بسر بردم.^{۱۹} اما از سایر رسولان، فقط یعقوب، برادر خداوند ما عیسی مسیح را دیدم.^{۲۰} خدا شاهد است آنچه که می نویسم عین حقیقت است.^{۲۱} پس از این دیدار، به ایالتهای «سوریه» و «قیلیقه» رفتم.^{۲۲} اما مسیحیان یهودیه هنوز مرا ندیده بودند؛^{۲۳} فقط این را از دیگران شنیده بودند که: «دشمن سابق ما، اکنون همان ایمانی را بشارت می دهد که قبلاً در صدد نابودی آن بود.»^{۲۴} و این تغییری که در من پدید آمده بود، سبب شد که خدا را تمجید و ستایش کنند.

۱۵:۱

اعما ۱۵:۹ ؛ ۱۰:۱۵

افس ۳:۲

۱۶:۱

روم ۱۷:۱ ؛ ۱۰:۳۸

غلا ۲۰:۹، ۲

کول ۲۷:۱

۱۷:۱

ایو ۸:۳

۱۸:۱

اعما ۲۶:۹

۱۹:۱

متی ۵۵:۱۳

اعما ۱۷:۱۲ ؛ ۱۳:۱۵

۱۸:۲۱

اقرن ۷:۱۵

غلا ۱۲:۹، ۲

۲۳:۱

اعما ۲۰:۹

بعضی از یهودیان فکر می کردند که غیریهودیان پیش از اینکه مسیحی شوند، باید یهودی شوند. اما نقشه خدا این بود که هم یهودیان و هم غیریهودیان را برکت دهد. او نقشه اش را از طریق انبیای عهدعتیق آشکار کرده بود (برای مثال، مراجعه کنید به پیدایش ۳:۱۲ ؛ اشعیا ۶:۴۲ ؛ ۱۹:۶۶)؛ و بعد، آن را بوسیله مسیح به انجام رساند؛ سپس از طریق پولس، آن را به غیریهودیان اعلان کرد.

۱۵:۱-۲۴ پولس از توبه خود سخن می گوید تا نشان دهد که پیامش را مستقیماً از خدا گرفته است. خدا به او مأموریت داد تا پیام انجیل را برای غیریهودیان موعظه کند (۱۶:۱ و ۱۵:۱). وقتی دعوت الهی را دریافت کرد، عازم بیابان شد و سه سال در آنجا بسر برد و بعد از آن، برای مشورت نزد رسولان رفت. آنگاه با پطرس و یعقوب گفتگو کرد، اما دیگر به مدت چند سال، هیچ تماسی با مسیحیان یهودی نژاد نداشت. طی این سالها، پیامی را که خدا به او داده بود، برای غیریهودیان موعظه کرد. انجیل او منشأ انسانی نداشت؛ پیام او از خدا بود.

۱۸:۱ بسیاری معتقدند که طبق اعمال ۲۶:۹-۳۰، پولس در این آیه، درباره اولین دیدارش از اورشلیم بعد از مسیحی شدن سخن می گوید.

۲۴:۱ زندگی تغییر یافته پولس سبب شد کسانی که او را دیده یا چیزهایی درباره او شنیده بودند، اظهار نظرهایی بکنند. زندگی جدید او آنها را حیرت زده کرده بود؛ آنها با دیدن او خدا را ستایش می کردند، چون فقط خدا

۱۶:۱۵:۱ از آنجا که خدمت پولس را خدا هدایت می کرد، او دست به کاری نمی زد که خدا قدرت انجام آن را به او نداده یا نقشه آن را از پیش نریخته باشد. اشعیا و ارمیا، این انبیای بزرگ، می دانستند که خدا آنها را حتی پیش از تولد دعوت کرده بوده تا خدمت خاصی برای او انجام دهند (مراجعه کنید به اشعیا ۱:۴۹ ؛ ارمیا ۵:۱). خدا عمق وجود شما را نیز می شناسد و شما را حتی پیش از تولد، انتخاب کرده تا از آن او باشید (مراجعه کنید به مزمور ۱۳۹). او از شما می خواهد که خود را به او نزدیک کنید، و کاری را که بر عهده شما گذارده است به انجام رسانید.

۱۶:۱ کلمه **یهودی** نه تنها به قومیت بلکه به مذهب هم اشاره دارد. شخص می بایست از نسل ابراهیم باشد تا یک یهودی واقعی بشمار بیاید. بعلاوه، یک یهودی وفادار باید پای بند شریعت یهود باشد. امت ها یعنی غیریهودیان، چه از نظر قومیت و چه از نظر مذهب، غیریهودی هستند. یهودیان در زمان پولس، همه اقوام غیریهودی را در شمار بت پرستان قرار می دادند. یهودیان از غیریهودیان پرهیز می کردند چون معتقد بودند که در اثر تماس با ایشان، نجس می شوند. اگرچه امت ها با هر قومیت و ملیتی که داشتند، می توانستند با انجام رسم ختنه و با رعایت شریعت و سنن یهود، از لحاظ مذهبی، یهودی شوند، اما هرگز آنها را کاملاً به عنوان یهودی نمی پذیرفتند.

بسیاری از یهودیان در درک این حقیقت که پیام خدا برای یهودیان و غیریهودیان یکسان است، دچار مشکل بودند.

رسولان پولس را پذیرفتند

۱:۲
اعما ۲۹-۲:۱۵
۲:۲
غلا ۶:۱

۳:۲
اعما ۳:۱۶

۲ سپس، بعد از چهارده سال با «برنابا» باز به اورشلیم رفتم و «تیتوس» را نیز همراه خود بردم.^۲ رفتن من به دستور خدا بود تا درباره پیغامی که در میان اقوام غیریهودی اعلام می‌کنم، با برادران مسیحی خود مشورت و تبادل نظر نمایم. من بطور خصوصی با رهبران کلیسا گفتگو کردم تا ایشان از محتوای پیغام من دقیقاً اطلاع حاصل کنند، با این امید که آن را تأیید نمایند.^۳ خوشبختانه چنین نیز شد و ایشان مخالفتی نکردند، به طوری که حتی از همسفر من تیتوس نیز که غیریهودی بود، نخواستند که ختنه شود.

دهند. برای بشارت دادن به دوستانمان، نیازی نیست صبر کنیم، اما برای شروع خدمتی خاص، چه داوطلبانه و چه تمام وقت، به آمادگی بیشتری نیاز داریم. وقتی برای زمان مقرر خدا انتظار می‌کشیم، باید مطالعه، یادگیری و رشد را ادامه بدهیم.

۲:۲ چکیده پیام پولس، چه به یهودیان و چه به غیریهودیان، این بود که خدا نجات را به همه مردم عرضه داشته است، بدون توجه به نژاد، جنسیت، ملیت، ثروت، مقام اجتماعی، تحصیلات، یا هر چیز دیگری. بخشش گناهان از طریق ایمان به مسیح بدست می‌آید (مراجعه کنید به رومیان ۸:۱۰-۱۳). ۳و۲ این مسأله خطر انشقاق کلیسا را بدنبال داشت. با اینکه خدا پولس را به‌طور خاص برای غیریهودیان مأمور کرده بود (اعمال ۹:۱۵ و ۱۶)، اما او میل داشت درباره پیام خود با رهبران کلیسای اورشلیم گفتگو کند (اعمال ۱۵). این گردهمایی از یک شقاق بزرگ در کلیسا جلوگیری کرد، و تأییدی بود رسمی بر رسالت پولس از طرف رسولان. بعضی اوقات ما از مشورت کردن با دیگران پرهیز می‌کنیم چون می‌ترسیم مشکلات یا مشاجرات بیشتر شود. ما نباید از مشورت کردن بگریزیم، بلکه باید بی‌پرده درباره برنامه‌ها و فعالیت‌هایمان با دیگران سخن بگوییم. این کار کمک می‌کند تا هرکس موقعیت خود را بهتر درک کند. مشورت با دیگران شایع‌پراکنی‌ها را کاهش می‌دهد، و اتحاد کلیسایی را مستحکم می‌سازد. ۳-۵ وقتی پولس، تیتوس را که یک مسیحی یونانی بود به اورشلیم برد، شریعت گراها گفتند که او باید ختنه شود. پولس سرسختانه، خواسته آنها را رد کرد. رسولان موافقت کردند که ختنه برای غیریهودیانی که ایمان می‌آورند، غیر ضروری است. سالها بعد، پولس خودش تیموتائوس را که مسیحی یونانی بود، ختنه کرد (اعمال ۱۶:۳). برخلاف تیتوس، تیموتائوس نیمه یهودی بود. پولس تعلیم نمی‌داد که یهودیان اجازه ندارند ختنه کنند؛ او فقط می‌گفت که غیریهودیان پیش از مسیحی شدن، لزومی ندارد یهودی شوند.

خودش می‌توانست این شخص را که مسیحیان را آنچنان آزار می‌رساند، به یک مسیحی تبدیل کند. ما ممکن است دگرگونی شگفت‌انگیزی مثل پولس نداشته باشیم، اما زندگی جدید ما باید نجات‌دهنده‌مان را جلال دهد. وقتی مردم به ما می‌نگرند، آیا متوجه می‌شوند که خدا تغییری در ما بوجود آورده است؟ اگر نه، شاید آن طور که باید در زندگی جدید زیست نمی‌کنیم.

۱:۲ پولس در حدود سال ۳۵م. ایمان آورد. ۱۴ سالی که به آن اشاره می‌کند، از زمان ایمان آوردنش به حساب می‌آید. بنابراین، سفری که اینجا به اورشلیم می‌کند، اولین سفرش نیست. اولین سفر او به اورشلیم در حدود سال ۳۸م. بوده است (مراجعه کنید به اعمال ۹:۲۶-۳۰)؛ و سفرهای دیگرش به اورشلیم تقریباً به این ترتیب بوده است: در سال ۴۴ م. (اعمال ۱۱:۳۰؛ غلاطیان ۲:۱-۱۰)؛ در سال ۴۹/۵۰ م. (اعمال ۱۵)؛ در سال ۵۲ م. (اعمال ۱۸:۲۲)؛ در سال ۵۷ م. (اعمال ۲۱:۱۵). احتمالاً پولس در فرصت‌های دیگری نیز از اورشلیم دیدار به عمل آورده است.

۱:۲ برنابا و تیتوس از دوستان نزدیک پولس بودند. برنابا و پولس طی سفر اول بشارتی‌شان از غلاطیه دیدار کردند. پولس نامه‌ای شخصی به تیتوس که ایماندار صاقد و رهبر کلیسا بود و در جزیره کریت خدمت می‌کرد، نوشت (مراجعه کنید به رساله تیتوس). برای کسب اطلاعات بیشتر درباره برنابا، به تاریخچه زندگی او در اعمال ۱۳ مراجعه کنید. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره تیتوس، مراجعه کنید به نامه‌ای در عهدجدید که پولس به او نوشت.

۱:۲ پولس بعد از ایمان آوردن، سالهای زیادی را سپری کرد تا خود را برای خدمتی که خدا او را برای آن فراخوانده بود، آماده سازد. این دوره آمادگی شامل خلوت کردن با خدا (۱۶:۱ و ۱۷) و همچنین تبادل نظر با دیگر مسیحیان بود. اغلب اوقات، نوایمانان از روی غیرت می‌خواهند خدا را به‌طور تمام وقت خدمت کنند، بدون اینکه زمان لازم را به مطالعه کتاب مقدس و آموزش از معلمین واجد صلاحیت، اختصاص

۴ البته مسئله ختنه را کسانی پیش کشیدند که خود را مسیحی می‌دانستند، اما در واقع مسیحی نبودند. ایشان برای جاسوسی آمده بودند تا دریابند که آزادی ما در عیسی مسیح چگونه است و ببینند که ما تا چه حد از شریعت یهود پیروی می‌کنیم. ایشان می‌کوشیدند که ما را برده احکام و قوانین خود سازند. ۵ اما ما حتی یک لحظه نیز به سخنان آنان گوش فرانداذیم، زیرا نمی‌خواستیم فکر شما مغشوش شود و تصور کنید که برای نجات یافتن، ختنه و حفظ شریعت یهود ضروری است. ۶ رهبران بلند پایه کلیسا هم چیزی به محتوای پیغام من نیفزودند. درضمن، این را نیز بگویم که مقام و منصب آنان تأثیری به حال من ندارد، زیرا در نظر خدا همه برابرند. ۷ و ۸ بنابراین وقتی یعقوب و پطرس و یوحنا که به ستونهای کلیسا معروفند، دیدند که چگونه خدا مرا بکار گرفته تا غیریهودیان را بسوی او هدایت کنم، به من و برنابا دست دوستی دادند و ما را تشویق کردند تا به کار بشارت در میان غیریهودیان ادامه دهیم و آنان نیز به خدمت خود در میان

۴:۲
غلا ۷:۱؛ ۹:۳؛ ۱۰:۵

۵:۲
غلا ۶:۱؛ ۱۴:۲

۶:۲
اعما ۳۴:۱۰
روم ۱۱:۲
قرن ۱۱:۱۲
غلا ۳:۶

۷:۲
اعما ۴۶:۱۳
اتسا ۴:۲

۸:۲
اعما ۱۵:۹؛ ۲:۱۳
۲۱:۲۲؛ ۱۷:۲۶

قرن ۱۰:۱۵
۹:۲
روم ۵:۱

دفاع پولس	آنچه که شریعت گراها در باره پولس می‌گفتند	شریعت گراها و پولس
او پیامش را از خود مسیح دریافت کرده بود (۱۱:۱ و ۱۲).	آنان می‌گفتند که او حقیقت را تحریف می‌کند.	
پولس یکی از متعهدترین یهودیان زمان خود بود. اما در حین انجام یکی از هولناک‌ترین مأموریت‌هایش خدا از طریق کشف انجیل عیسی، او را متبدل کرد (۱۳:۱-۱۶؛ اعمال ۹:۱-۳۰).	آنان می‌گفتند که او به اعتقادات یهودی خیانت کرده است.	
سایر رسولان اعلان کردند که پیام پولس، انجیل حقیقی است (۱:۲-۱۰).	آنان می‌گفتند که او سازشکار است و پیامش را به‌خاطر غیریهودیان، رقیق می‌کند.	
پولس نه فقط شریعت را کوچک نمی‌شمارد، بلکه آن را در جای مناسب خود قرار می‌دهد. او می‌گوید که شریعت به مردم نشان می‌دهد در چه قسمتی گناه کرده‌اند و آنها را بسوی مسیح رهنمون می‌گردد (۱۹:۳-۲۹).	آنان می‌گفتند که او به شریعت موسی بی‌اعتنایی می‌کند.	

به‌خاطر جر و بحث‌هایی که بین مسیحیان غیریهودی و شریعت گراها در می‌گرفت، پولس ضروری دانست که این نامه را به کلیساهای غلاطیه بنویسد. شریعت گراها سعی می‌کردند قدرت و اختیار پولس را از بین ببرند و انجیل دروغین را تعلیم می‌دادند. در پاسخ، پولس از قدرت و اختیار خود به‌عنوان یک رسول و از حقانیت پیامش دفاع می‌کند. مجادله بر سر شریعت یهود و مسیحیان غیریهودی به‌طور رسمی در شورای اورشلیم حل و فصل شد (اعمال ۱۵). با این حال، بعد از شورا باز هم مشاجره برسر این موضوع ادامه داشت.

هستند. ما باید رهبران روحانی‌مان را احترام کنیم، اما در نهایت باید نسبت به مسیح وفادار باشیم. ما باید با تمام وجود او را خدمت کنیم. او ما را مطابق با مقام و موقعیت‌مان ارزیابی نمی‌کند؛ او به قلب ما نگاه می‌کند (۱سمو ۷:۱۶).

۶:۲ طبقه‌بندی افراد براساس مقام و موقعیتشان کار ساده‌ای است. همچنین به‌سادگی می‌توان تحت تأثیر «رهبران بلندپایه کلیسا» قرار گرفت. اما همانطور که پولس خاطرنشان می‌سازد، همه ایمانداران در مسیح خواهر و برادر

یهودیان ادامه دهند. در واقع همان خدایی که مرا برای هدایت غیریهودیان بکار گرفته، پطرس را نیز برای هدایت یهودیان مقرر داشته است، زیرا خدا به هر یک از ما رسالت خاصی بخشیده است.^{۱۰} فقط سفارش کردند که همیشه به فکر فقرای کلیسای آنان باشیم، که البته من نیز به انجام این کار علاقمند بودم.

۱۰:۲

اعما ۳۰:۱۱ : ۱۷:۲۴

پولس علناً با پطرس مخالفت می کند

^{۱۱} اما زمانی که پطرس به «انطاکیه» آمد، در حضور دیگران او را به سختی ملامت و سرزنش کردم، زیرا واقعاً مقصر بود؛^{۱۲} به این علت که وقتی به انطاکیه رسید، ابتدا با مسیحیان غیریهودی بر سر یک سفره می نشست. اما به محض اینکه عده‌ای از پیشوایان کلیسا از جانب یعقوب از اورشلیم آمدند، خود را کنار کشید و دیگر با غیریهودیان خوراک نخورد، چون می ترسید که این

۱۲:۲

اعما ۲۸:۱۰ : ۳:۲ و ۳

می آید، یا از طریق ایمان به مسیح و همچنین انجام احکام شریعت؟ این بحث زمانی به اوج رسید که پطرس، پولس، شریعت گراها، و عده‌ای از مسیحیان غیریهودی همگی در انطاکیه بر سر سفره نشسته بودند. احتمالاً پطرس فکر می کرد که با کنار کشیدن خود از غیریهودیان، باعث ایجاد صلح می شود، چون نمی خواست دوستان یعقوب را مورد رنجش قرار دهد. اما پولس او را متهم کرد به اینکه رفتارش به معنای نقض انجیل است! پطرس با ملحق شدن به شریعت گراها، به طور ضمنی از نظر آنها مبنی بر اینکه ایمان آوردن به مسیح به تنهایی برای بدست آوردن نجات کفایت نمی کند، جانبداری کرد. سازش و مصالحه عنصر مهمی است در روابط ما با دیگران، اما در مورد حقیقت پیام خدا هرگز نباید سازش کنیم. اگر گمان کنیم که برای سازگاری با افکار دوستانمان باید عقاید مسیحی خود را تغییر دهیم، در موقعیت خطرناکی قرار داریم.

^{۱۱:۲} اگرچه پطرس «ستون کلیسا» بود (۷:۲)، اما رفتارش در این مورد، فاقد انسجام بود. پولس می دانست که باید در مقابل پطرس بایستد تا صدمه‌ای به کلیسا وارد نشود. بنابراین، به طور علنی با او درگیر شد. اما توجه داشته باشید که پولس به بقیه «ستونهای» مسیحیت و به سایر کلیساهای نگفت که دیگر پطرس را پیروی نکنند. بلکه او رو در رو پطرس را سرزنش کرد. بعضی وقتها مسیحیان واقعی و حتی رهبران مسیحی مرتکب اشتباهاتی می شوند؛ اشتباه آنان ممکن است بر سایر مسیحیان صمیمی اثر بگذارد. اگر مطمئن هستید که کسی به خودش یا به کلیسا صدمه می زند، بهترین راه برای آگاه کردن او این است که مستقیماً موضوع را به خودش بگویید. بدن مسیح جای بی اعتبار کردن موقعیت دیگران نیست.

^{۱۰:۲} اینجا رسولان به فقیران اورشلیم اشاره می کنند. در حالی که بسیاری از غیریهودیان که ایمان آورده بودند، از نظر مالی در رفاه بودند، کلیسای اورشلیم از قحطی سختی در فلسطین رنج می برد (مراجعه کنید به اعمال ۲۸:۱۱-۳۰). بیشتر وقت پولس صرف جمع آوری پول برای مسیحیان یهودی نژاد می شد (اعمال ۱۷:۲۴؛ رومیان ۲۵:۱۵-۲۹؛ اقرنتیان ۱:۱۶-۴؛ ۲ اقرنتیان ۸). لزوم کمک و توجه ایمانداران به فقیران، موضوعی است ثابت و دائمی در کتاب مقدس. اما اغلب، ما هیچ کاری در این زمینه نمی کنیم. ما فقط درگیر رفع احتیاجات و خواسته‌های خود هستیم؛ یا آنقدر فقیر نمی بینیم که احتیاجات آنها را به یاد آوریم. هم در شهر خودتان و هم در نقاط دور افتاده، هستند مردمی که نیاز به کمک دارند. چه کاری از دست شما برمی آید تا محبت خدا را به شکل مادی نشان دهید؟

^{۱۱:۲} انطاکیه سوریه (با انطاکیه پیسیدیه اشتباه نشود)، مرکز بزرگ تجارتی در دنیای قدیم بود. این شهر که بیشتر ساکنینش یونانی بودند، تبدیل به مرکز پر قدرت مسیحیت شد. در انطاکیه بود که ایمانداران را برای اولین بار «مسیحی» خواندند (اعمال ۱۱:۲۶). انطاکیه سوریه مرکز کلیسای غیریهودیان و پایگاه فعالیت‌های پولس گردید.

^{۱۱:۲} شریعت گراها پولس را متهم می کردند به اینکه پیام انجیل را رقیق می سازد تا غیریهودیان آن را راحت تر بپذیرند، و حال آنکه پولس شریعت گراها را متهم می کرد به اینکه حقیقت پیام انجیل را با اضافه کردن شروطی به آن، بی اعتبار می سازند. مسأله بر سر اساس نجات بود، یعنی اینکه آیا نجات فقط بوسیله ایمان به مسیح بدست

مسیحیان یهودی نژاد از این کار او ایراد بگیرند، و بگویند که چرا با افرادی که شریعت یهود را نگاه نمی‌دارند، هم سفره شده است.^{۱۳} آنگاه سایر مسیحیان یهودی نژاد و حتی برنابا نیز از این مصلحت‌اندیشی پطرس تقلید کردند.

^{۱۴} هنگامی که متوجه این امر شدم و دیدم که ایشان چگونه برخلاف ایمان خود و حقیقت انجیل رفتار می‌کنند، در حضور همه به پطرس گفتم: «تو یهودی زاده هستی، اما مدت زیادی است که دیگر شریعت یهود را نگاه نمی‌داری. پس چرا حالا می‌خواهی این غیریهودیان را مجبور کنی تا شریعت و احکام یهود را انجام دهند؟^{۱۵} من و تو که یهودی زاده هستیم و نه غیریهودی گناهکار،^{۱۶} بخوبی می‌دانیم که انسان با اجرای احکام شریعت، هرگز در نظر خدا پاک و بی‌گناه به حساب نخواهد آمد، بلکه فقط با ایمان به عیسی مسیح، پاک و بی‌گناه محسوب خواهد شد. بنابراین، ما نیز به عیسی مسیح ایمان آوردیم تا از این راه مورد قبول خدا واقع شویم، نه از راه انجام شریعت یهود. زیرا هیچکس هرگز با حفظ احکام شریعت، نجات و رستگاری نخواهد یافت.»

^{۱۷} اما اگر برای نجات یافتن، به مسیح ایمان بیاوریم، ولی بعد متوجه شویم که کار اشتباهی کرده‌ایم و نجات بدون اجرای شریعت یهود بدست نمی‌آید، آنگاه چه خواهد شد؟ آیا باید تصور کنیم که مسیح باعث بدبختی ما شده است؟ امیدوارم کسی چنین فکری درباره مسیح نکند!^{۱۸} بلکه برعکس، اگر ما دوباره به عقاید کهنه خود باز گردیم و معتقد شویم که نجات از راه اجرای احکام شریعت حاصل می‌شود، مانند اینست که آنچه را که خراب کرده بودیم، دوباره بنا کنیم؛ در اینصورت بروشنی نشان داده‌ایم که خطا و تقصیر از خودمان می‌باشد.^{۱۹} زیرا من با مطالعه تورات بود که پی بردم با حفظ شریعت و

۱۴:۲
اعما ۳:۱۱

۱۵:۲
اعما ۱۰:۱۵
افس ۳:۲
فیل ۴:۳
۱۶:۲
اعما ۳۹:۱۳
روم ۱۷:۱ ± ۲۰:۳ ± ۳:۸
عبر ۱۸:۷

۱۷:۲
۱ یو ۸:۳

۱۹:۲
روم ۱۴:۲ ± ۴:۷ ± ۲:۸
عبر ۱۴:۹

را نجات دهد، اما بعد از ایمان به مسیح، می‌تواند راهنمایی مفید برای یک زندگی خداپسندانه باشد.

۱۷:۲-۱۹ پولس با مطالعه کتب عهدعتیق پی برد که نمی‌تواند با رعایت شریعت، نجات پیدا کند. انبیا می‌دانستند که نقشه نجات خدا بر حفظ شریعت استوار نیست. از آنجا که همه ما آلوده به گناه شده‌ایم، نمی‌توانیم به‌طور کامل شریعت خدا را حفظ کنیم. خوشبختانه، خدا راهی برای نجات مهیا کرده است که بر عیسی مسیح استوار است، نه بر تلاشهای خود ما. هرگاه این تصویر به ما دست دهد که خدا ما را به‌خاطر اعمال نیکمان یا به این علت که از دیگران بهتر هستیم، مقبول می‌سازد، راه نجات را که خدا مهیا کرده است نادیده می‌گیریم و سعی می‌کنیم خودمان نجات را بدست آوریم. در حقیقت، فقط با ایمان به اینکه مسیح گناهانمان را برداشته، مقبول خدا خواهیم شد.

۱۶ و ۱۵:۲ اگر شریعت یهود نمی‌تواند ما را نجات دهد، چرا باید هنوز هم ده فرمان و سایر احکام عهدعتیق را رعایت کنیم؟ پولس نمی‌گوید که شریعت بد است، چون در نامه دیگری او می‌نویسد که «شریعت به‌خودی خود کاملاً خوب و درست و منصفانه است» (رومیان ۱۲:۷). منظور او اینست که شریعت نمی‌تواند ما را مقبول خدا سازد. اما شریعت هنوز نقش مهمی را در زندگی شخص مسیحی ایفا می‌کند. شریعت: (۱) با دادن معیارهایی درباره شیوه رفتار، ما را از گناه محفوظ نگاه می‌دارد؛ (۲) تقصیرهای ما را به ما نشان می‌دهد و این فرصت را در اختیار ما می‌گذارد که با طلب بخشش، طبق اراده خدا زندگی کنیم؛ (۳) ما را به‌طرف ایمان به کفایت کار مسیح سوق می‌دهد چون ما هرگز نمی‌توانیم به‌طور کامل احکام خدا را به‌جا آوریم. ممکن نیست شریعت بتواند ما

۲۰:۲
روم ۶:۶
قرن ۱۵:۵

۲۱:۲
عبر ۱۱:۷

دستورهای مذهبی هرگز مقبول خدا نخواهم شد، و فقط با ایمان به مسیح است که می‌توانم در حضور خدا بی‌گناه محسوب شوم.
۲۰ وقتی مسیح بر روی صلیب مصلوب شد، در حقیقت من نیز با او مصلوب شدم. پس دیگر من نیستم که زندگی می‌کنم، بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند! و این زندگی واقعی که اینک در این بدن دارم، نتیجه ایمان من به فرزند خداست که مرا محبت نمود و خود را برای من فدا ساخت. ۲۱ من از آن کسان نیستم که مرگ مسیح را رویدادی بی‌معنی تلقی می‌کنند. زیرا اگر نجات از راه اجرای شریعت و دستورهای مذهبی حاصل می‌شد، دیگر ضرورتی نداشت که مسیح جانش را برای ما فدا کند.

۲- برتری انجیل شریعت و ایمان

۱:۳
اقرن ۲۳:۱
غلا ۷:۵
۲:۳
اعما ۳۸:۲
روم ۱۷:۱۰
۳:۳
غلا ۹:۴
عبر ۱۶:۷

۳ ای غلاطیان نادان، کدام جادوگر اینچنین شما را افسون کرده است؟ مگر این شما نبودید که وقتی مرگ مسیح را برایتان تشریح کردم، آنچنان مجذوب شدید که گویی همان لحظه او را با چشم خود بر صلیب می‌دیدید؟^۲ بگذارید یک سؤال از شما بکنم: آیا شما روح‌القدس را از راه اجرای احکام شریعت یافتید، یا از راه شنیدن و ایمان آوردن به مژده انجیل؟^۳ چرا

مرگ مسیح را رویدادی بی‌معنی تلقی کنند. چگونه؟ (۱) با جایگزین کردن شریعت یهود با نوعی جدید از شریعت در مسیحیت و تحمیل احکام اضافی به ایمانداران به‌عنوان شرط عضویت در کلیسا؛ (۲) با اعتقاد به اینکه می‌توان با اعمال خوب مورد قبول خدا واقع شد، به‌جای ایمان کامل به کار مسیح بر روی صلیب؛ (۳) فقط توجه به قدرت خدا برای تغییر و تقدیس ما و فراموش کردن نجات و عادل‌شمردگی. اگر با خوب بودن، می‌توانستیم نجات پیدا کنیم، پس مسیح لازم نبود بمیرد. اما صلیب تنها راه نجات است.

۱:۳ ایمانداران غلطیه مجذوب استدلالات معلمین دروغین شده بودند، گویی جادوگری آنها را افسون کرده باشد. جادوگری در زمان پولس رایج بود (اعمال ۱۱-۹:۸؛ ۱۳:۷). جادوگران برای مجزه کردن، هم از چشم‌بندی استفاده می‌کردند و هم از قدرت شیطان. مردم مجذوب کارهای اسرارآمیز جادوگران می‌شدند، بدون اینکه از منشأ خطرناک آن مطلع باشند.

۲:۳ و ۳ ایمانداران غلطیه که بسیاری از آنان در روز پنطیکاست در اورشلیم بودند و در آنجا روح‌القدس را دریافت کرده بودند، می‌دانستند که روح خدا را با اطاعت از شریعت یهود دریافت نداشتند. پولس براین موضوع

۲:۲ ما از چه جنبه‌هایی با مسیح مصلوب شده‌ایم؟ از جنبه قضایی، خدا طوری به من نگاه می‌کند که گویی با مسیح مرده‌ام. از آنجا که گناهان من با او مصلوب شد، دیگر زیر محکومیت نیستم (کولسیان ۲:۱۳-۱۵). از جنبه رابطه، با مسیح یکی شده‌ام، و تجربیات او از آن من شده است. زندگی مسیحی من زمانی آغاز می‌شود که با او نسبت به زندگی گذشته‌ام می‌میرم (مراجعة کنید به رومیان ۵:۶-۱۱). در زندگی روزانه، بارها خواسته‌های گناه‌آلود را که سعی می‌کند مرا از پیروی مسیح باز دارد، مصلوب می‌سازم. این نیز جنبه‌ای از مرگ با اوست (لوقا ۹:۲۳-۲۵).

اما مرکز توجه مسیحیت بر روی مرگ نیست، بلکه بر روی حیات. از آنجا که با مسیح مصلوب شده‌ام، با او نیز بر خیزانیده شده‌ام (رومیان ۵:۶). از جنبه قضایی، مسیح مرا با خدا آشتی داده (۲قرن‌یان ۵:۱۹) و آزادم تا در مسیر مشابهت مسیح گام بر دارم (رومیان ۸:۲۹). و در زندگی روزانه‌ام، همچنان که به جنگ با گناه ادامه می‌دهم، قدرت قیامت مسیح به‌فراوانی پیش روی من است (افسیسیان ۱:۱۹ و ۲۰). مسیح در من زندگی می‌کند و این هدف زندگی و امید آینده من است (کولسیان ۱:۲۷). ۲:۲ امروز هنوز هم ایمانداران در این خطر هستند که

فکرتان را به کار نمی‌اندازید؟ شما که قبلاً با حفظ احکام مذهبی نتوانستید از نظر روحانی مقبول خدا گردید، چگونه تصور می‌کنید که اکنون از همان راه می‌توانید مسیحیان روحانی تری باشید؟^۴ شما که اینقدر زحمات را در راه انجیل متحمل شدید، آیا حالا می‌خواهید همه را دور بریزید؟ پس در واقع بیهوده زحمت کشیدید!

۴:۳

۸ یو ۲

^۵ باز می‌خواهم از شما بپرسم که خدا به چه دلیل روح‌القدس را به شما عطا می‌کند و در میان شما معجزات انجام می‌دهد؟ آیا در اثر اینست که شما شریعت را حفظ می‌کنید؟ یقیناً نه! علت اینست که شما قلباً به مسیح ایمان آورده‌اید.

۵:۳

فیل ۱۹:۱

^۶ در این مورد بگذارید «ابراهیم» را مثال بیاورم: خدا زمانی او را بی‌گناه به حساب آورد که به وعده‌های او ایمان آورد.^۷ از اینجا به این نکته پی می‌بریم که در نظر خدا، فقط ایمان ما مطرح است. در نتیجه، فرزندان واقعی ابراهیم آنانی هستند که به خدا ایمان حقیقی دارند.

۶:۳

پیدا ۱۵:۶

روم ۴:۳

۷:۳

یو ۳۹:۸

۵:۳ روح‌القدس قدرت عظیمی به مسیحیان می‌دهد تا برای خدا زندگی کنند. بعضی از مسیحیان چیزی بیش از این می‌خواهند. آنها فکر می‌کنند که چون روح‌القدس در زندگی‌شان کار می‌کند، زندگی‌شان باید دائماً پر از هیجان باشد. به تصور آنها یکنواختی زندگی روزانه‌شان بعلت اشکالی در روحانیتشان می‌باشد. این مسیحیان احتمالاً متوجه موضوع نیستند. اغلب بزرگترین کاری که روح‌القدس در ما انجام می‌دهد، این است که به ما می‌آموزد تا صبور باشیم و به انجام اعمال درست ادامه بدهیم حتی اگر این کارها به نظر تازه و جالب نباشند. غلاطیان خیلی زود از انجیل پولس رو بر گردانده و بدنال تعالیم جدیدترین معلمین شهر رفتند؛ آنها به عطای صبر و استقامت که روح‌القدس می‌بخشد، احتیاج داشتند. اگر زندگی مسیحی برای ما کسل‌کننده شده، به این نیاز نداریم که روح‌القدس ما را به هیجان آورد، بلکه نیاز داریم که او ما را آرام سازد و به ما بفهماند که در لحظات عادی یا کسل‌کننده زندگی نیز باید ایمانمان را حفظ کنیم.

۶:۳-۹ بحث اصلی شریعت‌گراها این بود که غیریهودیان باید اول یهودی بشوند تا بعد بتوانند مسیحی گردند. پولس نشان داد که فرزندان واقعی ابراهیم آنانی هستند که ایمان دارند، نه آنانی که شریعت را حفظ می‌کنند، و به این ترتیب، بی‌اعتباری استدلال آنان را آشکار ساخت (پیدایش ۱۵:۶). همه ایمانداران، در همه اعصار و از هر ملیتی، در برکتی که نصیب ابراهیم شد، سهیم می‌شوند. این وعده‌ای تسلی‌بخش، میراثی عظیم، و بنیادی محکم برای زندگی است.

پا فشاری می‌کند که همانطور که با ایمان به مسیح نجات یافته‌ایم، با ایمان به مسیح هم باید رشد کنیم. وقتی غلاطیان تصمیم گرفتند که بر حفظ شریعت یهود اصرار ورزند، یک قدم پسروی کردند. ما باید تشخیص بدهیم که رشد روحانی‌مان در اثر کار خداست، نه رعایت احکامی خاص.

۴:۳ غلاطیان در تلاش برای دست یافتن به مسیحیتی تمام و کمال از طریق حفظ شریعت، در آستانه کنار گذاشتن ایمان به مسیح بودند (مراجعه کنید به ۱:۶). پولس فریاد برمی‌آورد که آنها باید به یاد بیاورند که مسیح چه کاری برای آنها کرده است، و اینکه خودشان چطور به‌خاطر ایمانشان دچار زحمت شدند، و اصلاً بدست آوردن نجات برای چه بود! وقتی نسبت به ایمانتان دچار سردرگمی می‌شوید و با نظرات مختلفی مواجه می‌گردید و نمی‌دانید کدام یک درست است، زندگی سابق خود را به یاد بیاورید؛ به یاد بیاورید که چگونه مسیح شما را دگرگون کرد؛ بخشش او را به خاطر بیاورید. بعد نسبت به او وفادار بمانید.

۵:۳ پاسخ این سؤال روشن است. غلاطیان می‌دانستند که آنها روح‌القدس را زمانی دریافت کردند که ایمان آوردند، نه زمانی که از شریعت اطاعت کردند. هنوز هم مردم در ایمان خود احساس امنیت و اطمینان نمی‌کنند، چون ایمان به تنهایی، ساده به‌نظر می‌رسد؛ هنوز هم مردم سعی می‌کنند با رعایت شریعت، به خدا نزدیک شوند. با این سؤالات، پولس امیدوار است که غلاطیان دوباره فکر خود را متوجه مسیح، یعنی مرکز ایمانشان، سازند.

۸:۴
پیدا ۳:۱۲

۱۰:۴
تث ۲۶:۲۷
ار ۳:۱۱
۱۱:۴
حب ۴:۲

۹۰ علاوه بر این، در کتاب آسمانی پیش‌بینی شده بود که خدا غیریهودیان را نیز بر اساس ایمانشان خواهد پذیرفت. از اینرو، خدا در همان زمان در این مورد با ابراهیم سخن گفت و فرمود: «همهٔ آنانی را که مانند تو، به من ایمان داشته باشند، از هر ملتی که باشند، مورد عنایت خود قرار خواهم داد.» بنابراین، هر که به مسیح ایمان آورد، از همان برکت و لطف الهی که نصیب ابراهیم گردید، برخوردار خواهد شد. ۱۰ همچنین، کسانی که می‌خواهند بوسیلهٔ اجرای دستورهای شریعت نجات یابند، زیر لعنت خدا قرار دارند؛ زیرا در تورات چنین آمده است: «ملعون باد کسی که حتی یکی از دستورهای کتاب شریعت را بشکند.»^{۱۱} در نتیجه، روشن

این نوع از احکام به‌طور خاص مربوط به عبادت قوم اسرائیل می‌شود (برای مثال مراجعه کنید به لایوان ۱:۱-۱۳). هدف اصلی آن، اشاره به عیسی مسیح است. بنابراین، این دسته از احکام، پس از مرگ و قیام مسیح دیگر غیرضروری شدند. اگرچه ما دیگر در قید احکام مربوط به مناسک عبادی نیستیم، اصولی که در پس آنها قرار دارد، یعنی پرستش خدای مقدس و محبت کردن او، هنوز قابل اجرا است. مسیحیان یهودی‌نژاد اغلب مسیحیان غیریهودی را به نقض قوانین مربوط به این مناسک متهم می‌کردند.

این نوع احکام مربوط به زندگی روزمره قوم اسرائیل می‌شد (برای مثال، مراجعه کنید به تثنیه ۲۴:۱۰-۱۱). از آنجا که فرهنگ و جامعه امروزی ما به کلی با آن زمان متفاوت است، برخی از این دستورالعمل‌ها را نمی‌توان به‌طور دقیق اجرا کرد. اما اصولی که در پس این احکام قرار دارد، باید راهنمای رفتار ما باشد. بارها پولس از مسیحیان غیریهودی خواست تا برخی از این احکام را رعایت کنند، نه به‌خاطر اینکه مجبور بودند، بلکه به‌خاطر اینکه اتحاد کلیسایی حفظ شود.

این نوع احکام درواقع دستورات مستقیم خدا هستند، که نمونه آن ده فرمان می‌باشد (خروج ۱۷-۲۰). از این احکام باید کاملاً اطاعت کرد. آنها ذات و اراده خدا را آشکار می‌سازند و هنوز هم برای ما قابل اجرا می‌باشند. ما باید از احکام اخلاقی اطاعت کنیم، نه برای بدست آوردن نجات، بلکه برای اینکه زندگی‌مان خدا را خشنود سازد.

احکام مربوط به مناسک

شریعت چیست؟
قسمتی از شریعت یهود شامل احکام و قوانینی است که در عهدعتیق یافت می‌شود. وقتی پولس می‌گوید که دیگر غیریهودیان (امت‌ها) در قید شریعت نیستند، منظور او این نیست که احکام عهدعتیق امروز در زندگی ما کاربرد ندارد. او می‌گوید که برخی از این احکام ممکن است در مورد ما کاربرد نداشته باشد. در عهدعتیق احکام بر سه نوع بودند:

احکام مدنی

احکام اخلاقی

دریافت این برکت، پذیرفتن کار مسیح بر روی صلیب می‌باشد (کولسیان ۱:۲۰-۲۳).

۱۱:۴ تلاش برای عادل شدن با قدرت خودمان، به جایی نمی‌رسد. تصمیمات خوبی مثل «دفعه بعد بهتر رفتار خواهم کرد» یا «دیگر هیچوقت این کار را نخواهم کرد» معمولاً به شکست می‌انجامد. پولس به این گفته حقوق اشاره می‌کند (حقوق ۴:۲) که با ایمان به خدا، می‌توانیم به این شکست‌ها پایان دهیم، یعنی با ایمان به آنچه که خدا برای رفع گناهان ما تدارک دیده، و باور کردن آن و زندگی کردن با قدرت روح او.

۱۰:۴ پولس تثنیه ۲۶:۲۷ را نقل می‌کند تا ثابت کند که شریعت، برخلاف ادعای شریعت‌گراها، نمی‌تواند کسی را از گناه پاک سازد و نجات دهد؛ شریعت فقط محکوم می‌کند. شکستن حتی یکی از احکام، شخص را زیر محکومیت می‌برد. از آنجا که همه احکام خدا را نقض کرده‌اند، همه محکوم هستند و شریعت نمی‌تواند کاری برای برداشتن این محکومیت انجام دهد (رومیان ۳:۲۰-۲۴). اما مسیح با رفتن بر روی صلیب، لعنت شریعت را بر خود گرفت (۱۳:۳). مسیح این کار را کرد تا ما دیگر به‌خاطر گناهان خود مجازات نشویم و بتوانیم بوسیله او نجات بیابیم. تنها شرط

است که هیچکس نمی‌تواند از راه حفظ شریعت و قوانین مذهبی، مورد قبول خدا واقع شود. یکی از انبیاء نیز گفته است: «فقط کسی نجات می‌یابد که به خدا ایمان داشته باشد.»^{۱۲} اما روش «شریعت» با روش «ایمان» تفاوت بسیار دارد. مطابق روش «شریعت» انسان زمانی نجات می‌یابد که تمام احکام شریعت را بدون هیچ نقصی انجام دهد.^{۱۳} اما مسیح، لعنتی را که در اثر گناهان ما بوجود آمده بود، برخود گرفت و ما را از هلاکتی که این روش «شریعت» پدید آورده بود، رهایی بخشید، روشی که انجامش غیر ممکن بود. بلی، مسیح، لعنت ما را برخود گرفت، زیرا در تورات آمده است: «ملعون است هر که به دار آویخته شود.» (عیسی مسیح نیز به دار صلیب آویخته شد.)

^{۱۴} اکنون خدا می‌تواند همان برکتی را که به ابراهیم وعده داده بود، بوسیله عیسی مسیح به غیریهودیان نیز عطا فرماید. اکنون همه ما مسیحیان می‌توانیم روح القدس موعود را از راه همین ایمان بدست آوریم.

شریعت و وعده

^{۱۵} برادران عزیز، حتی در زندگی روزمره ما، اگر کسی پیمان و قرارداد امضاء کند و یا وصیتنامه‌ای تنظیم نماید، دیگر هیچکس نمی‌تواند آن را باطل کند و یا تغییری در آن بدهد.

^{۱۶} به همین ترتیب، خدا نیز به ابراهیم و به «فرزند» او وعده‌هایی داد. توجه داشته باشید که خدا نفرمود این وعده‌ها را به «فرزندان» او خواهد داد، که منظور یهودیان باشد؛ بلکه فرمود که وعده‌ها را به فرزند او عطا خواهد کرد، که منظور عیسی مسیح است.^{۱۷} حال مقصودم اینست: وعده و پیمان خدا مبنی بر نجات بشر توسط ایمان، که خدا آن را نوشت و مهر کرد، بوسیله ده فرمان و شریعت که چهارصد و سی سال بعد از آن روی کار آمد، به هیچ وجه باطل نشد و تغییر نیافت.^{۱۸} اگر قرار می‌شد نجات از راه اجرای دستورهای مذهبی حاصل شود، مسلماً این روش نجات با روشی که ابراهیم از طریق آن مقبول خدا گشت،

۱۲:۳

لاو ۵:۱۸

روم ۴:۴؛ ۱۱:۶

۱۳:۳

تث ۲۳:۲۱

۱۴:۳

اش ۳:۴۴

یول ۲۸:۲

اعما ۳۳:۲

افس ۱۳:۱

۱۵:۳

عبر ۱۷:۹

۱۶:۳

پیدا ۱۷:۲۲ و ۱۸

۱۷:۳

خرو ۴۰:۱۲

روم ۱۴:۴ و ۱۳

۱۸:۳

روم ۱۴:۴

عبر ۱۴:۶

^{۱۹} و ^{۱۸:۳} شریعت دو کار انجام می‌دهد. از طرفی با آشکار کردن ذات و اراده خدا و ارائه روش زندگی به انسان، کار و نقشی مثبت دارد. از سوی دیگر، نقش و کاری منفی انجام می‌دهد چون گناه انسان را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که حتی با اطاعت از تمامی احکام شریعت، جلب رضایت خدا غیر ممکن است. وعده‌ای که خدا به ابراهیم داد، بر ایمان او استوار بود؛ شریعت بر روی اعمال متمرکز است. پیمان خدا با ابراهیم نشان می‌دهد که ایمان تنها راه نجات می‌باشد؛ به این ترتیب، شریعت به ما

^{۱۷:۳} خدا به وعده‌ای که به ابراهیم داده بود، عمل کرد (پیدایش ۱۷:۱۷ و ۸)؛ گرچه هزاران سال از آن گذشته، اما خدا آن را فسخ نکرده است. او ابراهیم را بواسطه ایمان نجات داد، و جهان را از طریق او برکت داد، به این شکل که مسیح موعود را از نسل او به این جهان فرستاد. اوضاع و شرایط ممکن است تغییر کند، اما خدا بدون تغییر باقی می‌ماند و وعده‌های خود را فسخ نمی‌کند. او وعده داده که گناهان ما را بواسطه عیسی مسیح ببامرز، و ما مطمئنیم که او به وعده‌اش عمل خواهد کرد.

تفاوت پیدا می کرد. زیرا تنها کاری که ابراهیم انجام داد، پذیرفتن وعده خدا بود.

^{۱۹} پس در اینصورت، خدا شریعت را به چه علت عطا کرد؟ شریعت در واقع بعد از وعده های خدا عطا شد تا به انسان نشان دهد که احکام خدا را نگاه نمی دارد و گناهکار است. اما روش «شریعت» فقط تا زمان آمدن مسیح می بایست ادامه یابد، یعنی همان «فرزندی» که خدا به ابراهیم وعده داده بود. در اینجا فرق دیگری نیز وجود دارد: خدا شریعت و احکام خود را توسط فرشتگان به موسی عطا کرد تا او نیز آن را به مردم بدهد.^{۲۰} اما خدا وعده خود را به ابراهیم بطور مستقیم داد، بدون اینکه واسطه ای در کار باشد، واسطه ای مانند فرشتگان یا موسی.

^{۲۱} پس به این ترتیب، آیا احکام خدا با وعده او متضاد است؟ هرگز! اگر ما می توانستیم با اجرای شریعت و احکام آن نجات بیابیم، دیگر لازم نبود که خدا راه دیگری برای آزادی از چنگال گناه به ما نشان دهد، زیرا کتاب آسمانی می فرماید که همه ما در چنگ گناه اسیریم. تنها راه آزادی برای همه ما اینست که به عیسی مسیح ایمان آوریم.

^{۲۳} پیش از آمدن مسیح، همه ما در زندان موقت احکام و قوانین مذهبی بسر می بردیم، و تنها امید ما این بود که نجات دهنده ما عیسی مسیح بیاید و ما را رهایی بخشد.

فرزندان خدا در اثر ایمان

^{۲۴} اجازه بدهید این مطلب را طور دیگری شرح دهیم: احکام الهی همچون لله ای بود که از ما مراقبت می کرد تا زمانی که مسیح بیاید و ما را از راه ایمان، مقبول

۱۹:۴

خرو ۱۹:۲۰

تث ۵:۵ ؛ ۲:۳۳

یو ۲۲:۱۵

اعما ۵۳:۷

اتیمو ۹:۱

عبر ۲:۲

۲۰:۴

اتیمو ۵:۲

۲۲:۴

روم ۳۲:۱۱

۲۴:۴

متی ۱۷:۵

است. وقتی به قدرت دگرگون کننده ایمان پی می بریم، دوست داریم به طریقی زندگی کنیم که این دگرگونی را نشان دهد.

^{۲۵} و ^{۲۶} این یک واقعیت است که همه مردم در چنگال زور آور گناه هستند. ما اسیر گناه هستیم؛ خطاهای گذشته مان بر دوش ما سنگینی می کند؛ و میل به اموری که می دانیم گناه است، زندگی ما را مختل ساخته است. خدا می داند که ما اسیر گناه هستیم، از این رو راه فراری برای ما مهیا کرده است: این راه، ایمان به عیسی مسیح می باشد. همه در چنگال گناه گرفتارند، و تنها کسانی از آن خلاصی خواهند یافت که به مسیح ایمان بیاورند. به او نگاه کنید، او دست خود را برای آزاد کردن شما دراز کرده است.

نشان می دهد که چگونه نجات خود را حفظ کنیم. ایمان، شریعت را باطل نمی کند؛ به کمک شریعت، ما خدا را بیشتر می شناسیم، بیشتر متوجه می شویم که چقدر گناهکار هستیم. پس در این صورت، شریعت ما را هدایت می کند تا برای نجات تنها متکی به ایمان به مسیح باشیم.

^{۲۷} این هم دلیل دیگری است که پولس برای اثبات برتری عهد ابراهیم (ایمان) بر شریعت موسی (اعمال) به منظور کسب نجات، بیان می کند. شریعت از ایمان نشأت گرفت؛ شریعت شرط لازم برای ایمان نبود. اما شریعت گراها برعکس استدلال می کردند. به همین نحو، زندگی پاک شرطی برای ایمان نیست، بلکه ثمره آن

انحراف	سه نوع	گروه	تعریف آنها از مسیحیت	اعتقاد اصلی آنها	خطر	سؤالی که پیروان گروه می‌کنند
در مسیحیت	تقریباً از همان ابتدا، گروه‌هایی در مسیحیت بودند که می‌توانستند این نهضت را نابود سازند یا از مسیر اصلی منحرف کنند. سه گروه از بین این گروها، مشکلات زیادی بوجود آوردند و حتی تا به امروز به شکل‌های مختلف نمایان شده‌اند. این سه گروه انحرافی در تضاد با مسیحیت واقعی هستند.	مسیحیت شریعت‌گرا	مسیحی یعنی یک یهودی که عیسی را به‌عنوان نجات‌دهنده موعود پذیرفته است. بنابر این، هر غیریهودی که تمایل به مسیحی شدن دارد، باید اول یهودی شود.	به‌خاطر حرمت زیادی که برای کلام خدا و برگزیدگی قوم یهود توسط خدا قائل بودند، بی‌اعتنایی به احکام خدا یا شکستن قوانین او، برای آنها غیرقابل قبول بود.	گرایش دارد که رسوم و معیارهای انسانی را به احکام و قوانین خدا اضافه کند. همچنین محبت خدا را نسبت به تمامی اقوام که در کلامش آشکار است، خدشه‌دار می‌سازد.	آیا می‌دانید چقدر مهم است که خدا امتی را برگزیده تا از طریق آن بخشش و حیات ابدی را به تمام مردم ارزانی دارد؟
		مسیحیت شریعتی	مسیحی کسی است که با مجموعه‌ای از «نباید» ها زندگی می‌کند. با رفتار خوب می‌توان رضایت خدا را جلب کرد.	اذعان می‌دارد که تغییر واقعی توسط خدا باید به تغییر رفتار بینجامد.	گرایش دارد محبت خدا را که مجانباً در اختیار ماقرار می‌گیرد، تبدیل به چیزی کند که برای بدست آوردن آن باید استحقاقش را داشت. به این ترتیب، مسیحیت تا حد مجموعه‌ای از قوانین ناممکن تنزل می‌یابد و خبر خوش انجیل به خبر بد مبدل می‌شود.	آیا می‌توانید درک کنید که همانقدر که تغییر در اعمال و رفتار مهم است، به همان اندازه خدا دوست دارد تغییر شما با تغییر دیگران متفاوت باشد؟
		مسیحیت بی‌قانون	زندگی مسیحیان فراتر از شریعت است. آنها نیاز به هیچ دستورالعملی ندارند. کلام خدا به اندازه درک شخصی از هدایت خدا، اهمیت ندارد.	اذعان می‌دارد که آموزش گناهان به اعمال ما و تلاش ما برای زندگی مقدس ارتباط ندارد. بخشش را باید با ایمان به‌عنوان هدیه‌ای که با مرگ مسیح روی صلیب مهیا شد، پذیرفت.	فراموش می‌کند که مسیحیان انسان هستند و وقتی سعی می‌کنند بر اساس «حساسی» که از خواسته‌های خدا دارند زندگی کنند، مرتباً با شکست مواجه می‌شوند.	آیا وقتی با شکرگزاری به‌خاطر نجات بزرگی که خدا برای شما ارزانی داشته، زندگی را پشت سر می‌گذارید، نیازی به احکام مکتوب او حس می‌کنید؟
	مسیحیت واقعی		مسیحی کسی است که باطناً و ظاهراً ایمان دارد که مرگ عیسی، آموزش گناهان و حیات ابدی را برای انسان به ارمغان آورده است. مسیحی این هدیه را با ایمان پذیرفته، در صدد است یک زندگی توأم با سرسپردگی و شکرگزاری برای کار خدا داشته باشد.	مسیحیت هم به زندگی اجتماعی مربوط می‌شود و هم به زندگی فردی؛ هم ایمان قلبی را در بر دارد و هم اعتراف به زبان را. داشتن رابطه نزدیک با خدا و قدرتی که او برای ما مهیا کرده است، به اطاعت ما از خدا منتج می‌شود. با دریافت هدیه آموزش و حیات ابدی، هم‌اکنون ما هر روزه با یاری خدا وارد این حیات می‌شویم.	خطرات گروه‌های بالا را ندارد.	نزدیکترین افراد به شما، مسیحیت شما را چگونه توصیف می‌کنند؟ آیا آنها فکر می‌کنند شما اینگونه زندگی می‌کنید تا مورد قبول خدا واقع شوید؟ یا می‌دانند که شما اینطور زندگی می‌کنید چون مورد پذیرش خدا واقع شده‌اید؟

خدا سازد. ^{۲۵} اما اکنون که مسیح آمده، دیگر نیازی به لسه یعنی احکام و شریعت نداریم. ^{۲۶} زیرا همگی ما در اثر ایمان به عیسی مسیح فرزندان خدا می‌باشیم؛ ^{۲۷} و همه ما که تعمید گرفته‌ایم، جزئی از وجود مسیح شده‌ایم و مسیح را پوشیده‌ایم. ^{۲۸} دیگر فرقی نمی‌کند که یهودی باشیم یا غیریهودی، غلام باشیم یا آزاد، مرد باشیم یا زن؛ زیرا همه ما مسیحیان در عیسی مسیح یکی هستیم؛ ^{۲۹} و اکنون که از آن مسیح شده‌ایم، فرزندان واقعی ابراهیم می‌باشیم و در نتیجه، تمام وعده‌هایی که خدا به ابراهیم داد، به ما نیز تعلق می‌گیرد.

۴ اما این را به یاد داشته باشید که اگر پدری به هنگام فوت، ارثی برای فرزند صغیر خود بجا گذارد، این فرزند تا پیش از رسیدن به سنی که پدرش تعیین کرده، باید تحت سرپرستی ولی و قیم بزرگ شود. او فرقی با غلام آن خانواده ندارد، هر چند که صاحب اصلی دارایی پدرش می‌باشد.

۳ ما نیز پیش از آمدن مسیح، مانند فرزندان صغیر، غلام احکام و رسوم مذهبی بودیم، زیرا تصور می‌کردیم که آنها قادر به نجات ما می‌باشند. ^۴ اما چون روزی

۲۸:۳

یو ۱۶:۱۰ ؛ ۲۱:۱۷

اقرن ۱۳:۱۲

کول ۱۱ و ۱۰

۲۹:۳

پیدا ۱۰:۲۱

روم ۱۷:۸ ؛ ۷:۹

غلا ۱۶:۳ ؛ ۲۸:۴

عبر ۱۸:۱۱

۳:۴

کول ۸:۲

عبر ۱۰:۹

۴:۴

مر ۱۵:۱

یو ۱۴:۱

افس ۱۰:۱

عبر ۱۴:۲

کنید. ممکن است متوجه شوید که نقاط مشترک زیادی دارند.

۲۹:۳ آن عهدی که خدا با ابراهیم بست، به تمام دنیا تعلق داشت، نه فقط به فرزندان او (مراجعه کنید به غلاطیان ۳:۱۲). همه ایمانداران در این عهد شریک هستند و به‌عنوان فرزندان ابراهیم از برکت آن برخوردارند.

۷-۳:۴ پولس بردگی را مکالم می‌آورد تا نشان دهد که قبل از اینکه مسیح بیاید و به‌خاطر گناهان ما بمیرد، مردم در اسارت و بردگی شریعت بودند. مسیحیان غلاطیه با این فکر که با نگاه داشتن احکام مذهبی می‌توانند نجات پیدا کنند، اسیر فرایند تلاش و شکست برای حفظ شریعت شدند. اما پیام انجیل این است که همه ما که زمانی برده بودیم، حال فرزند خدا شده‌ایم و ارتباط نزدیکی با او داریم. با وجود مسیح، دیگر دلیلی برای ترس از خدا نیست. ما می‌توانیم بدون واهمه وارد حضور او شویم، با علم به اینکه او ما را به‌عنوان عضو خانواده خود می‌پذیرد.

۴:۴ «در روزی که خدا مقرر کرده بود»، خدا عیسی را به جهان فرستاد تا برای گناهان ما بمیرد. قرن‌ها یهودیان در انتظار آمدن مسیح موعودشان بودند؛ اما برنامه زمانی خدا دقیق بود. ما گاهی ممکن است از خود پیرسیم که آیا خدا جواب دعا‌های ما را خواهد داد. اما نباید هرگز نسبت به خدا بی‌اعتماد بشویم یا امید خود را از دست بدهیم. او در وقت مقرر جواب خواهد داد. آیا شما برای زمانهای

۲۵:۳ شریعت ضرورت نجات را به ما نشان می‌دهد؛ فیض خدا، نجات را برای ما به ارمغان می‌آورد. احکام عهدعتیق هنوز قابل اجراست. در عهدعتیق خدا ذات خود، اراده‌اش برای بشر، احکام اخلاقی‌اش، و رهنمودهایش را برای زندگی آشکار می‌کند.

۲۷:۳ در جامعه رومی، وقتی کودکی پا به سن بلوغ می‌گذاشت، جامه کودکان را از تن به در می‌کرد و لباس جدیدی می‌پوشید. این نشان می‌داد که او پا به دنیای بزرگسالان گذاشته است، با تمام حقوق و مسؤولیت‌های آن. پولس می‌گوید: «شما لباس کهنه شریعت را کنار گذاشته‌اید و لباس راستی مسیح را به تن کرده‌اید» (مراجعه کنید به ۲۱:۵ افسسیان ۲۳:۴ و ۲۴).

۲۸:۳ مردان یهودی هر روز در دعای صبحگاهی چنین دعا می‌کردند: «خداوند، تو را شکر می‌کنم که غیریهودی، غلام، یا زن نیستم.» چنین دعایی دیگر نباید تکرار شود، چون ایمان به مسیح ورای همه این تمایزات است. همه ایمانداران در مسیح، برابر هستند.

۲۸:۳ ما به‌طور طبیعی در میان کسانی که با ما فرق دارند، احساس ناراحتی می‌کنیم و جذب کسانی می‌شویم که مثل خودمان هستند. اگر بگذاریم اختلافات ما با ایمانداران دیگر، ما را از آنها جدا سازد، در واقع نسبت به تعلیم کتاب مقدس بی‌اعتنایی کرده‌ایم. سعی کنید کسانی را که مثل شما و دوستانتان نیستند، بشناسید و در کشان

که خدا تعیین کرده بود فرارسید، او فرزندش را فرستاد تا بصورت یک یهودی از یک زن دنیا بیاید،^۵ تا بهای آزادی ما را از قید اسارت شریعت پیردازد و ما را فرزندان خدا گرداند.^۶ پس حال چون فرزندان خدا هستیم، خدا روح فرزند خود را به قلبهای ما فرستاده تا بتوانیم او را واقعاً «پدر» بخوانیم.^۷ بنابراین دیگر غلام نیستیم بلکه فرزندان خدا می‌باشیم، و به همین علت وارث نیز هستیم و هر چه از آن خداست، به ما نیز تعلق دارد.

نگرانی پولس برای غلاطیان

^۸ شما غیریهودیان، پیش از آنکه خدای حقیقی را بشناسید، خدایان خیالی خود یعنی بتها را بندگی می‌کردید.^۹ اما اکنون که خدای واقعی را یافته‌اید، یا بهتر بگویم خدا شما را یافته است، چرا باز می‌خواهید بنده آن اصول ضعیف و بی‌فایده مذهب باشید تا با انجام آنها به آسمان راه یابید؟^{۱۰} آیا فکر می‌کنید با انجام تشریفات مذهبی در روزها و ماه‌ها و فصلها و سالهای مخصوص، می‌توانید مقبول خدا واقع شوید؟^{۱۱} با این راهی که در پیش گرفته‌اید، می‌ترسم تمام زحماتی که برای شما کشیده‌ام به هدر رفته باشد!

^{۱۲} برادران عزیز خواهش می‌کنم درباره این موضوع مثل خود من فکر کنید، زیرا الان من از این قیدو بند به همان اندازه آزادم که شما در سابق بودید. در آن زمان، وقتی انجیل را به شما بشارت دادم، با وجود ضعفی که در بدنم داشتم، مرا خوار و حقیر نشمردید.^{۱۴} گرچه تحمل این ضعف بدنی من برای شما طاقت‌فرسا بود، با این حال از من بیزار نشدید، بلکه در عوض از من چنان استقبال

۵:۴
متی ۲۸:۲۰
روم ۱۵:۴۸
افس ۵:۱
۷:۴
روم ۱۷:۱۶

۸:۴
۹:۱۳
روم ۲۵:۱
اقرن ۴:۸
افس ۱۲:۲
۱۳:۱
۹:۴
کول ۲:۲
۱۰:۴
روم ۵:۱۴
کول ۱۶:۲

۱۲:۴
غلا ۱۴:۶
۱۳:۴
اقرن ۳:۲
غلا ۶:۱
۱۴:۴
متی ۴۰:۱۰
۱۳:۲

می‌شویم. ما وارثان خدا، می‌توانیم آنچه را که او برای ما مهیا کرده است، از آن خود بدانیم، یعنی هر آنچه که در مقام فرزندان خدا به ما تعلق می‌گیرد (مراجعة کنید به رومیان ۱۵:۸-۱۷).

۱۴:۴ دنیا با درد و بدبختی مردم با بی‌رحمی برخورد می‌کند. پولس غلاطیان را تحسین می‌کند چون با اینکه او در وضعیت نامطلوبی قرار داشت، او را از خود نراندد (توضیح نمی‌دهد دچار چه وضعی بود). چنین توجه و مراقبتی همان چیزی بود که مسیح در نظر داشت، چون مسیح ما را خوانده تا افراد بی‌خانمان، گرسنه، بیمار و در بند را طوری خدمت کنیم که گویی به مسیح خدمت می‌کنیم (متی ۲۵:۴۰). آیا شما از افراد دردمند یا کسانی که مشکلی دارند، دوری می‌کنید یا مایلید طوری به آنها توجه کنید که گویی خود عیسی مسیح است؟

مقرر خدا انتظار می‌کشید؟ اطمینان داشته باشید که او بهترین‌ها را برای شما در نظر گرفته است.

۵و۴:۴ عیسی از یک زن به دنیا آمد؛ این نشان می‌دهد که او یک انسان بود. او بصورت یک یهودی به دنیا آمد؛ به همین جهت، مطیع شریعت خدا بود و آن را به‌طور کامل به انجام رساند. از این رو، عیسی قربانی بی‌نقصی بود چون، گرچه کاملاً انسان بود، اما هرگز گناه نکرد. او بهای آزادی ما را از اسارت گناه پرداخت تا بتوانیم عضو خانواده خدا شویم.

۷-۵:۴ طبق قانون روم، فرزندخوانده از تمامی حقوق قانونی نسبت به اموال پدرش برخوردار بود. او نسبت به دیگر فرزندان از مرتبه‌ای پایین‌تری برخوردار نبود، و با دیگر فرزندان خانواده، چه پسرخوانده باشند و چه پسر واقعی، برابر بود. ما نیز که فرزند خدا شده‌ایم، در تمامی حقوقی که مسیح در ثروت خدا دارد، سهم

و پذیرایی کردید که گویی فرشته‌ای از درگاه خدا یا حتی خود عیسی مسیح نزد شما آمده بود! ^{۱۵} مطمئنم که شما در آن زمان حاضر بودید حتی چشمه‌ایان را درآورده، به من بدهید! آن روزهای فرخنده چه شد؟ ^{۱۶} اگر حقایق را می‌گویم، چرا مرا دشمن خود می‌دانید؟

۱۶:۴
عا ۱:۵

^{۱۷} آن معلمین دروغین که می‌کوشند رضایت و توجه شما را جلب کنند، هیچ نیت خیری ندارند. تلاش آنان اینست که شما را از من جدا سازند تا شما به ایشان توجه بیشتری نشان دهید. ^{۱۸} البته خوب است که با انگیزه‌ای درست، و قلبی صادق به شما توجه نشان دهند، اما به شرط آنکه در همه اوقات چنین باشند، نه فقط در حضور من! ^{۱۹} ای فرزندان من، بار دیگر در وجود خود برای شما احساس درد می‌کنم، مانند مادری که درد زایمان او را فرا گرفته، تا شکل مسیح را به خود بگیرد! ^{۲۰} چقدر آرزو می‌داشتم الان نزد شما بودم و با حالت دیگری با شما سخن می‌گفتم، زیرا واقعاً نمی‌دانم از این راه دور چه کاری از دستم برمی‌آید!

۱۷:۴
روم ۲:۱۰

۱۹:۴
اقرن ۱۵:۴
افس ۱۷:۳ ؛ ۱۳:۴

موردی رفتار و عملکردتان را باید تغییر دهید، در این مسیر قدم بر دارید.

۱۷:۴ معلمین دروغین مدعی بودند که از قدرت و اختیار مذهبی برخوردارند، و در مسیحیت و یهودیت صاحب‌نظر هستند. آنها با انگشت گذاشتن روی علاقه ایمانداران به پیروی از راستی، می‌دانستند چگونه عمل کنند تا پیروان نسبتاً زیادی در اطراف خود گرد آورند. اما پولس می‌گوید که آنها افراد نادرستی هستند و انگیزه خودخواهانه‌ای دارند. معلمین دروغین اغلب اشخاصی به‌ظاهر محترم و تأثیرگذار هستند. به همین دلیل است که باید همه تعالیم را با کتاب مقدس مطابقت داد.

۱۹:۴ پولس افراد زیادی را بسوی مسیح هدایت کرد و ایشان را در رشد روحانی یاری داد. احتمالاً یکی از دلایل موفقیت او در مقام پدر روحانی، توجه عمیق او به فرزندان روحانی‌اش بود؛ او دردی را که به‌خاطر کم‌ایمانی آنها می‌کشید، با درد زایمان مقایسه می‌کند. ما نیز باید همین علاقه و توجه را به کسانی که پدر یا مادر روحانی‌شان هستیم، داشته باشیم. به خاطر داشته باشید وقتی کسی را بسوی مسیح راهنمایی می‌کنید، خود را در کمک به رشد او کنار نکشید.

۱۵:۴ پولس پی برده بود که غلاطیان در اثر گرایش به شریعت، شادی نجات خود را از دست داده‌اند. شریعت‌گرایی چگونه «شادی روح» را از ما سلب می‌کند؟ (۱) شریعت‌گرایی باعث می‌شود که مردم به‌جای داشتن احساس محبت به دیگران، احساس تقصیر کنند؛ (۲) شریعت‌گرایی به‌جای اینکه شخص را فروتن سازد، او را از خود بیزار می‌کند؛ (۳) شریعت‌گرایی به اعمال انسان بیش از رابطه‌اش با خدا اهمیت می‌دهد؛ (۴) شریعت‌گرایی به‌جای اینکه به پیروزی‌هایی که مسیح برای ما بدست آورده اشاره کند، به قصورات ما اشاره می‌کند. اگر احساس تقصیر یا بی‌کفایتی می‌کنید، مشکل را در جایی جستجو کنید که فکرتان متمرکز آنجاست. آیا ایمان شما بر مسیح استوار است یا بر حفظ شریعت؟

۱۶:۴ پولس با توبیخ کردن غلاطیان به‌خاطر دست کشیدن از ایمان اولیه‌شان، مورد تحسین قرار نگرفت. طبیعت انسان تغییر چندانی نکرده است؛ هنوز هم وقتی مورد سرزنش قرار می‌گیریم، عصبانی می‌شویم. وقتی کسی شما را مورد سؤال قرار می‌دهد، خیلی زود نظرات او را رد نکنید. ممکن است آنچه می‌گوید، حقیقت داشته باشد. با فروتنی گفته‌های او را بپذیرید و راجع به آن به‌دقت فکر کنید. اگر متوجه شدید که در

دو پسر ابراهیم

^{۲۱} ای فرزندان من، شما که فکر می کنید با اجرای احکام شریعت یهود می توان نجات یافت، چرا نمی خواهید درک کنید معنی واقعی شریعت و مذهب یهود چیست؟ ^{۲۲} زیرا در باره ابراهیم می خوانیم که او دو پسر داشت، یکی از کنیز خود و دیگری از زن آزاد. ^{۲۳} پسر کنیز بطور عادی متولد شد، اما پسر زن آزاد، بنا بر وعده مخصوص خدا تولد یافت.

^{۲۴} و این رویداد تاریخی، بیانگر دو روش است که از طریق آنها خدا انسان را مورد عنایت قرار می دهد. یکی از این دو روش، اعطاء احکام و شریعت است به موسی در کوه سینا. باید توجه داشت که اعراب، کوه سینا را «کوه هاجر» می نامند. در تشبیهی که آوردم، کنیز ابراهیم یعنی هاجر را مظهر شهر اورشلیم قرار دادم؛ این شهر همچون مادر یهودیان، و کانون روشی است که طبق آن فقط از طریق اجرای احکام شریعت می توان نجات یافت؛ و یهودیان که می کوشند از این روش پیروی کنند، همچون فرزندان این کنیز می باشند. ^{۲۶} اما مادر ما و وطن ما، اورشلیم آسمانی است که کنیز و بنده شریعت نیست.

^{۲۷} از اینروست که «اشعیای» نبی از جانب خداوند فرمود:

«شاد باش ای زن نازا که هرگز نزاییده ای!

فریاد شادی بر آور، ای تو که هرگز درد زایمان را نچشیده ای!

زیرا من به تو فرزندانی خواهم بخشید،

که تعدادشان بیشتر از شمار فرزندان زن شوهردار خواهد بود!»

^{۲۸} ای برادران عزیز، من و شما مانند «اسحاق»، فرزندانی هستیم که بنا بر وعده خدا متولد شده ایم. ^{۲۹} و همچنانکه اسحاق، پسر وعده، از دست «اسماعیل»، پسر کنیز، آزار می دید، ما نیز که از روح القدس از نو تولد یافته ایم، از دست آنانی که می خواهند شریعت یهود را بر ما تحمیل کنند، آزار می بینیم. ^{۳۰} اما در کتاب آسمانی می خوانیم که خدا به ابراهیم فرمود که کنیز و پسرش را از خانه بیرون کند، زیرا پسر کنیز نمی تواند مانند پسر زن آزاد، از دارایی ابراهیم ارث ببرد. ^{۳۱} خلاصه، ای برادران عزیز، ما فرزندان کنیز نیستیم که غلام شریعت باشیم، بلکه فرزندان آزاد هستیم که بوسیله ایمان خود، مورد پسند خدا قرار گرفته ایم.

۲۲:۴

پیدا ۱۵:۱۶ : ۲:۲۱

۲۳:۴

پیدا ۱۰:۱۸

روم ۷:۹

۲۴:۴

تث ۲:۳۲-۴

۲۶:۴

عبر ۲۲:۱۲

مکا ۱۲:۳ : ۲:۲۱

۲۷:۴

اش ۱:۵۴

۲۸:۴

روم ۱۶:۴

غلا ۲۹:۳

۲۹:۴

پیدا ۹:۲۱

۳۰:۴

پیدا ۱۰:۲۱

یو ۳۵:۸

غلا ۸:۳

(پیدایش ۴:۱۶) مانند اذیت و آزاری بود که مسیحیان غیریهودی از سوی شریعت گراها متحمل می شدند، یعنی از سوی کسانی که برای نجات یافتن، برحفظ شریعت اصرار می ورزیدند. سرانجام سارا پیروز شد چون فرزند او بنا بر وعده خدا به دنیا آمد، درست مانند کسانی که با ایمان مسیح را می پرستند و به پیروزی نیز خواهند رسید.

۲۱:۴ مردم به خاطر ایمان به مسیح نجات پیدا می کنند، نه به خاطر کارهایی که می کنند. پولس کسانی را که اسیر شریعت هستند (هاجر، زن کنیز، نماینده همه کسانی است که اسیر شریعتند) با کسانی که از شریعت آزادند (سارا، زن آزاد، نماینده همه کسانی است که از شریعت آزادند)، مقایسه می کند. رفتار بد هاجر با سارا

۳- آزادی انجیل

زندگی کردن در آزادی که مسیح به ما می‌دهد

۵

پس، اکنون که مسیح شما را آزاد کرده است، بکوشید آزاد بمانید و بار دیگر اسیر قید و بند شریعت نشوید.^۲ به آنچه می‌گویم با دقت توجه نمایید: اگر تصور می‌کنید که با ختنه شدن و انجام احکام مذهبی می‌توانید مقبول خدا گردید، در آنصورت مسیح دیگر نمی‌تواند شما را رستگار سازد.^۳ باز تکرار می‌کنم هر که بخواهد با ختنه شدن، خدا را خشنود سازد، مجبور است بقیه احکام شریعت را نیز یک به یک حفظ کند، و گرنه محکوم به هلاکت ابدی است.^۴ اگر بخواهید با حفظ دستورهای مذهبی مقبول خدا شوید، مسیح برای شما هیچ فایده‌ای نخواهد داشت و از فیض و لطف الهی محروم خواهید ماند.^۵ و لیکن ما به یاری روح القدس، بسبب ایمانی که داریم، در حضور خدا بی‌گناه محسوب می‌شویم.^۶ برای ما که از مسیح حیات جاودانی یافته‌ایم، دیگر ختنه شدن یا نشدن اهمیتی ندارد. مهم آنست که ایمانی داشته باشیم که از آن محبت بجوشد.

۱:۵
یو ۳۲:۸
اعما ۱۰:۱۵
غلا ۴:۲
۲:۵
اعما ۱۰:۱۵
۳:۵
غلا ۱۰:۳

۵:۵
روم ۲۳:۸
۶:۵
کول ۱۱:۳
۱ تسلا ۳:۱
یعقو ۱۸:۲

۷:۵
اقرن ۲۴:۹
۸:۵
روم ۲۸:۸
۹:۵
اقرن ۶:۵

۱۰:۵
غلا ۷:۱

^۷ خوب پیشرفت می‌کردید! چه کسی اینچنین شما را از راه راست منحرف کرد؟^۸ بدون شک، این امر از جانب خدا نیست، چون او خودش شما را دعوت کرده تا بوسیله مسیح آزاد شوید.^۹ این کار یک نفر خرابکار است که مانند بُز گر به میان شما آمده؛ و واضح است که یک بز گر کافی است که تمام گله را مبتلا سازد.^{۱۰} مطمئنم خداوند شما را در خصوص این مطلب با من هم عقیده سازد. اما خدا این شخص خرابکار را، هر که می‌خواهد باشد، به سزای اعمالش خواهد رساند.

ندارد.» تلاش برای نجات از طریق اجرای دستورهای مذهبی و یا از طریق فیض، دو روش متفاوت است. اگر ما خودمان برای نجات خود قدم بر داریم، طریق مسیح برای نجات ما، کمکی به ما نخواهد کرد. ما نمی‌توانیم هیچ کاری برای آسانتر کردن کار خدا برای نجات خود انجام دهیم. تنها کاری که می‌توانیم بکنیم این است که با ایمان، فیض او را بپذیریم.

۶:۵ ما با ایمان نجات پیدا کرده‌ایم، نه با اعمال، اما محبت کردن به دیگران و به خدا، واکنش کسانی است که خدا آنها را بخشیده است. بخشش خدا کامل است. مسیح فرمود کسانی که بیشتر بخشیده شده باشند، محبت بیشتری نشان می‌دهند (لوقا ۷:۴۷). از آنجا که ایمان از طریق محبت به ظهور می‌رسد، می‌توانید برای برآورد ایمان خود، میزان محبت خود را بسنجید.

۱:۵ مسیح مُرد تا ما را از گناه و از انجام مجموعه‌ای از مقررات و دستورهای مذهبی آزاد سازد. مسیح آمد تا ما را آزاد سازد، آزاد نه برای انجام کارهایی که نفسمان می‌خواهد، چون در این صورت به وضعیت سابق یعنی اسارت در تمایلات خودخواهانه بر می‌گردیم؛ بلکه به فیض مسیح، حالا ما آزادیم و می‌توانیم آنچه را که قبلاً غیرممکن بود انجام دهیم، یعنی می‌توانیم با انکار نفس زندگی کنیم. کسانی که به‌خاطر پرداختن به خواسته‌های فردی و کامیابی در زندگی شخصی، جذب آزادی مسیح می‌شوند، خود را دوباره در گناه گرفتار می‌سازند. آیا شما از آزادی خود به نفع خودتان استفاده می‌کنید یا به نفع دیگران؟

۲:۵ ترجمه تحت‌اللفظی «مسیح دیگر نمی‌تواند شما را رستگار سازد» چنین است: «مسیح برای شما هیچ نفع

۱۱:۵
اقرن ۱: ۲۳؛ ۳۰: ۱۵

اما بعضی می گویند که من خود به هنگام بشارت به مردم اعلام می کنم که ختنه شدن و انجام فرایض مذهبی، برای نجات ضروری است. اگر واقعاً چنین بود، دیگر اینقدر آزار نمی دیدم، زیرا واضح است که هیچکس از این نوع پیغام نمی رنجد. اما آزاری که می بینم، نشان می دهد که هنوز هم به «نجات، توسط ایمان به صلیب مسیح» موعظه می کنم.

صفات خوب و صفات بد	صفات بد	صفات خوب
کتاب مقدس به اعمال و رفتاری اشاره می کند که یا درستند یا نادرست. به صفاتی که در این فهرست آمده، نگاه کنید. آیا اعمال و رفتار شما در بسیاری از موارد خصوصیات مربوط به فهرست صفات بد را ندارد؟	(نتیجه بی توجهی به خدا و دیگران) امیال نادرست (غلاطیان ۱۹:۵) زنا (غلاطیان ۱۹:۵) دشمنی (غلاطیان ۲۰:۵) دو بهم زنی (غلاطیان ۲۰:۵) کینه توزی (غلاطیان ۲۰:۵) خشم (غلاطیان ۲۰:۵) خودخواهی و نفع طلبی (غلاطیان ۲۰:۵) شکایت (غلاطیان ۲۰:۵) انتقاد (غلاطیان ۲۰:۵) در اشتباه دانستن دیگران و برحق شمردن خود (غلاطیان ۲۰:۵) حسادت (غلاطیان ۲۱:۵) آدم کشی (غلاطیان ۲۱:۵؛ مکاشفه ۱۲:۲۲-۱۶) بت پرستی (غلاطیان ۲۰:۵؛ افسسیان ۵:۵) احضار ارواح (غلاطیان ۲۰:۵) مستی (غلاطیان ۲۱:۵) عیاشی (غلاطیان ۲۱:۵) زایل کردن حق دیگران (اقرن ۱: ۸:۶) شهوت رانی (اقرن ۱: ۹:۶ و ۱۰) همجنس بازی (اقرن ۱: ۹:۶ و ۱۰) طمع (اقرن ۱: ۹:۶؛ افسسیان ۵:۵) دزدی (اقرن ۱: ۹:۶ و ۱۰) دروغ (مکاشفه ۱۲:۲۲-۱۶)	(نتایج جانبی زندگی کردن برای خدا) محبت (غلاطیان ۲۲:۵) شادی (غلاطیان ۲۲:۵) آرامش (غلاطیان ۲۲:۵) بردباری (غلاطیان ۲۲:۵) مهربانی (غلاطیان ۲۲:۵) نیکوکاری (غلاطیان ۲۲:۵) وفاداری (غلاطیان ۲۲:۵) فروتنی (غلاطیان ۲۳:۵) خویشترنداری (غلاطیان ۲۳:۵)

برانند؟ تجربه پولس به ما یادآوری می کند که باید انتظار چنین چیزی را داشت. مسیح فرمود که تعجب نکنیم که مردم دنیا از ما نفرت کنند، چون دنیا از او متنفر بود (یوحنا ۱۵:۱۸ و ۱۹). همانطور که پولس وفادارانه به موعظه درباره مسیح ادامه داد، شما هم علیرغم موانعی که دیگران بر سر راه شما می گذارند، باید کاری را که خدا به شما واگذار کرده، ادامه دهید.

۱۱:۵ اذیت و آزاری که پولس متحمل می شد، ثابت می کرد که او پیام راستین انجیل را موعظه می کند. اگر او آنچه را که معلمین دروغین تعلیم می دادند، تعلیم می داد، هیچ کس رنجیده نمی شد؛ اما از آنجا که او حقیقت را تعلیم می داد، هم مورد آزار یهودیان قرار می گرفت و هم شریعت گراها. آیا پیش آمده که دوستان یا عزیزانتان شما را به خاطر داشتن اعتقاد راسخ به مسیح، از خود

- ۱۲:۵ ای کاش آنانی که فکر شما را مضطرب می‌سازند و می‌خواهند شما «ختنه» شوید، رابطه خود را با شما بکلی «قطع می‌کردند» و دیگر کاری به کارتان نمی‌داشتند.
- ۱۳:۵ برادران عزیز، خدا به شما آزادی عطا کرده است، اما آزادی نه برای پیروی از خواسته‌های نفس‌تان، بلکه برای محبت کردن و خدمت کردن به یکدیگر.
- ۱۴:۵ زیرا تمام دستورهای خدا، در این دستور خلاصه می‌شود که: «دیگران را دوست بدار، به همان اندازه که خود را دوست می‌داری.»^{۱۵} اما مواظب باشید بجای محبت کردن، مدام در حال ایراد گرفتن و زخم زبان زدن به یکدیگر نباشید، مبدا لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به یکدیگر وارد آورید.

زندگی کردن به قدرت روح‌القدس

- ۱۶:۵ از اینرو، به شما توصیه می‌کنم که از اوامر روح خدا پیروی کنید؛ او به شما خواهد آموخت که چه بکنید و کجا بروید. در اینصورت دیگر برده امیال نفس سرکش خود نخواهید بود.^{۱۷} زیرا ما انسانها، بطور طبیعی دوست داریم امیال نفسانی خود را بجا آوریم، امیالی که مخالف اراده و خواست روح خداست. برعکس، هرگاه می‌خواهیم از اوامر روح خدا پیروی کنیم و خواست او را بجا بیاوریم، امیال طبیعی ما به مخالفت با آنها می‌پردازد. این دو نیرو، مدام در ما در حال کشمکش هستند و می‌کوشند بر اراده ما مسلط شوند. در نتیجه، هرکاری بخواهیم انجام دهیم، از تأثیر این نیروها خالی نیست.^{۱۸} اما هرگاه روح خدا شما

ویژگی‌های مثبت آن شخص را تهیه کنید. چیزی که روبرو به او نمی‌گویید، در غیاب او نگویید.

۱۶:۵-۱۸ اگر امیالتان شما را بسوی شکوفا شدن خصوصیات قید شده در ۲۲:۵ رهنمون شود، در این صورت می‌فهمید که روح‌القدس شما را هدایت می‌کند. در عین حال، باید مواظب باشید که احساسات را با هدایت روح‌القدس اشتباه نکنید. بنابراین، هدایت شدن از طرف روح‌القدس، به معنی تمایل به شنیدن و اطاعت از اوامرو و تشخیص درست بین احساسات خود و هدایت‌های او می‌باشد.

۱۷:۵ پولس به شرح دو نیرویی می‌پردازد که در ما عمل می‌کنند، یعنی روح‌القدس و امیال نفسانی. پولس نمی‌گوید که این دو نیرو با هم برابرند. روح‌القدس بی‌نهایت قوی‌تر است، اما این ما هستیم که ضعیفیم. اگر در گناهانمان بمانیم، کارهای نادرستی خواهیم کرد. تنها راه برای آزاد شدن از امیال نفسانی و هوسهای ناپاک، این است که خود را در اختیار روح‌القدس قرار دهیم (مراجعه کنید به رومیان ۸:۹؛ افسسیان ۴:۲۳ و ۲۴؛ کولسیان ۳:۳-۸).

۱۳:۵ پولس آزادی برای گناه کردن و آزادی برای خدمت کردن را از هم متمایز می‌کند. آزادی برای گناه کردن، به هیچ‌وجه آزادی نیست، چون این نوع آزادی شما را اسیر شیطان، دیگران، یا خواسته‌های نفسانی خودتان می‌سازد. کسانی که اسیر گناه هستند، برای داشتن یک زندگی پاک و بدون گناه، آزاد نیستند. برعکس، مسیحیان نباید اسیر گناه شوند چون آنان برای انجام اعمال نیک و جلال دادن خدا بوسیله اعمال خود، آزادند.

۱۴:۵ و ۱۵ وقتی محبت از ما نجوشت، شروع به انتقاد کردن از دیگران خواهیم کرد. به این ترتیب، دیگر توجهی به محاسن آنها نمی‌کنیم و فقط ایرادات آنها را می‌بینیم. آیا در غیاب کسی از او بدگویی کرده‌اید؟ آیا بیشتر به نقاط ضعف آنها توجه می‌کنید یا به نقاط قوتشان؟ دستور مسیح را مبنی بر دوست داشتن دیگران مثل خودتان، به خاطر بیاورید (متی ۳۹:۲۲). اگر احساس کردید که شروع به انتقاد از کسی کرده‌اید، فهرستی از

را هدایت کند، دیگر لازم نخواهد بود برای انجام دستورهای خدا، به خود فشار بیاورید.

^{۱۹} هنگامی که از امیال و خواسته‌های نادرست خود پیروی می‌کنید، این گناهان وارد زندگی شما می‌شوند: زنا و انحرافات جنسی و بی‌عفتی؛ ^{۲۰} بت‌پرستی و جادوگری و احضار ارواح؛ دشمنی و دو بهم زنی؛ کینه‌توزی و خشم؛ خودخواهی و نفع‌طلبی، شکایت و انتقاد و بهانه‌جویی؛ در اشتباه دانستن دیگران و بر حق شمردن خود و اعضای گروه خود؛ ^{۲۱} حسادت و آدم‌کشی؛ مستی و عیاشی و چیزهایی از این قبیل. همانطور که قبلاً هم اشاره کردم، باز تکرار می‌کنم هر که این چنین زندگی کند، هرگز در ملکوت خدا جایی نخواهد داشت.

^{۲۲} اما هرگاه روح خدا زندگی ما را هدایت فرماید، این ثمرات را در زندگی ما بوجود خواهد آورد: محبت، شادی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکوکاری،

۱۹:۵

روم ۱۲:۱۳ و ۱۳

اقرن ۳:۳

یعقو ۱۴:۳

۲۱:۵

اقرن ۹:۶

افس ۵:۵

مکا ۱۵:۲۲

۲۲:۵

یعقو ۱۷:۳

امیال ناپاک ما در مقابل ثمره روح القدس	ویژگی امیال ناپاک ما بدین قرار است	ویژگی‌های ثمره روح بدین قرار است
اراده روح در تضاد همیشگی با امیال گناه‌آلود ماست. این دو در دو جناح متضاد در نبرد روحانی قرار دارند.	بد است مخرب است راحت بر انگیزته می‌شود سخت سرکوب می‌شود خودخواهانه است حاکم و مسلط می‌شود انحطاط آور است گناه‌آلود است مرگبار است	خوب است سازنده است سخت بر انگیزته می‌شود راحت سرکوب می‌شود فداکارانه است آزادکننده و تقویت‌کننده است دلگرم‌کننده است مقدس است حیات‌بخش است

قسمت را به‌عمل خواهیم آورد. ما نباید از حاکمیت روح‌القدس هراسی داشته باشیم. او اراده ما را تسخیر نمی‌کند یا با ما مثل آدم‌آهنی رفتار نمی‌نماید. ^{۲۲:۵} کار روح‌القدس اینست که روحیه یا خصوصیات رفتاری خاصی را در ما بوجود آورد، نه اعمال بخصوصی را. ما نمی‌توانیم چیزهایی را که در این آیه آمده، *انجام* بدهیم، و نمی‌توانیم با تلاش آنها را کسب کنیم. اگر می‌خواهیم ثمره روح در زندگی ما ظاهر شود، باید بدانیم که تمامی این ویژگی‌ها در مسیح یافت می‌شود. پس برای افزایش آنها، باید زندگی خود را به مسیح پیوند دهیم (مراجعه کنید به یوحنا ۱۵:۴۹). ما باید او را بشناسیم، او را محبت کنیم، او را به یاد داشته باشیم، از او سرمشق بگیریم. نتیجه این خواهد شد که مقصود نهایی شریعت یعنی محبت به خدا و به انسان را به انجام خواهیم رساند. کدامیک از این ویژگی‌ها نیاز به رشد بیشتری در زندگی‌تان دارد؟

^{۱۹-۲۱:۵} همه ما امیال نفسانی و هوس‌های ناپاک داریم که نمی‌توانیم آنها را نادیده بگیریم. برای پیروی از هدایت‌های روح‌القدس، باید به‌طور قاطعانه با این امیال و هوسها مقابله کنیم (باید آنها را بر صلیب مسیح می‌خکوب کنیم - ^{۲۴:۵}). این امیال شامل گناهان آشکاری مثل بی‌بندوباری جنسی و جادوگری و همچنین گناهانی مثل جاه‌طلبی، خشم، و حسادت می‌باشد که چندان به چشم نمی‌آیند. اگر نسبت به گناهانمان بی‌توجه باشیم یا نخواهیم آنها را از زندگی خود بزداییم، از ملکوت خدا محروم خواهیم شد.

^{۲۲:۵} همه ما تحت سلطه بعضی از نیروهای خارجی هستیم. اگر شریعت بر ما حاکمیت دارد، به‌خاطر عدم توانایی در حفظ آن، محکوم خواهیم شد. اگر گناه بر ما سلطه دارد، اعمال ناپاک خودمان، ما را نابود می‌سازد. اگر روح‌القدس بر ما تسلط دارد، ثمرات مذکور در این

وفاداری، فروتنی و خویشنداری.^{۲۳} هیچیک از این صفات پسندیده، تضادی با احکام مذهبی و شریعت یهود ندارند.

^{۲۴} آنانی که از آن مسیح می‌باشند، امیال نفسانی و هوسهای ناپاک خود را بر صلیب مسیح میخکوب کرده‌اند.

^{۲۵} اگر اکنون با قدرت روح خدا زندگی می‌کنیم، لازم است که هدایت او را در تمام قسمت‌های زندگی خود بپذیریم.^{۲۶} در اینصورت، دیگر جاه‌طلب و شهرت‌طلب نخواهیم بود و در نتیجه، یکدیگر را نخواهیم رنجاند و به یکدیگر حسادت نخواهیم ورزید.

هرچه به کاریم همان را درو می‌کنیم

برادران عزیز، اگر از یک ایماندار خطایی سر بزند، شما که روحانی تر هستید با کمال فروتنی او را به راه راست باز گردانید؛ این را به یاد داشته باشید که در آینده ممکن است شما نیز دچار وسوسه و خطا شوید.^۲ در مشکلات و مسائل یکدیگر شریک باشید و به این وسیله «شریعت مسیح» را اجرا کنید.^۳ اگر کسی خود را چنان بزرگ می‌پندارد که نمی‌خواهد به این امر گردن نهد، خود را فریب می‌دهد. چنین شخصی را نمی‌توان ایماندار واقعی دانست.

۱:۶

اقرن ۱۵:۲ ؛ ۵:۷

یعقو ۱۹:۵ و ۲۰

ایو ۱۶:۵

۲:۶

روم ۱:۱۵

۳:۶

روم ۳:۱۲

اقرن ۱۸:۳

اقرن ۱۱:۲ ؛ ۵:۳

یافته‌اید، پس مطابق با آن زندگی کنید! «روح‌القدس منشأ زندگی تازه شماست، پس با او راه بروید. اجازه ندهید چیزی یا کسی دیگر، ارزشها و معیارهای شما را در هر قسمت از زندگی‌تان، تعیین کند.

^{۲۶:۵} همه ما تا اندازه‌ای احتیاج داریم که رضایت دیگران را جلب کنیم. اما کسانی که برای بدست آوردن شهرت و مقام در بین مردم، از راه اصلی منحرف می‌شوند، نشان می‌دهند که از هدایت روح‌القدس پیروی نمی‌کنند. کسانی که در پی جلب رضایت خدا هستند، نیازی به جلب رضایت دیگران ندارند.

^{۱-۳} هیچ کس نباید فکر کند که کاملاً بی‌نیاز است و احتیاج به کمک دیگران ندارد؛ همچنین نباید تصور کند که از کمک کردن به دیگران معاف است. بدن مسیح، یعنی کلیسای جهانی او، فقط زمانی کارایی دارد که همه اعضای آن با هم در انجام عمل نیک سهیم باشند. آیا کسی در نزدیکی شما هست که در زندگی روزمره احتیاج به کمک داشته باشد؟ آیا برادر یا خواهر مسیحی هست که احتیاج به اصلاح یا تشویق داشته باشد؟ با فروتنی و با مهربانی به او کمک کنید (یوحنا ۳:۱۳ و ۳۵). کسانی که فکر می‌کنند برای کمک به دیگران اصلاً وقت ندارند، بیش از حد به کار خود اهمیت می‌دهند.

^{۲۳:۵} از آنجا که همان خدایی که شریعت را فرستاد، روح را نیز فرستاد، ثمرات جانبی زندگی پر از روح در هماهنگی کامل با هدف شریعت خداست. کسی که به فراوانی از ثمره روح برخوردار است، بسیار بهتر از کسی که تشریفات مذهبی را رعایت می‌کند اما هیچ محبتی در دل ندارد، مقصود شریعت را به انجام می‌رساند.

^{۲۴:۵} برای اینکه مسیح را به‌عنوان نجات‌دهنده بپذیریم، باید دست از گناهانمان بر داریم و با رضایت خاطر امیال نفسانی و هوسهای ناپاک را بر روی صلیب میخکوب کنیم. اما این بدان معنی نیست که ما دیگر هرگز اثری از این امیال را در خود نخواهیم دید. ما مسیحیان باز هم قابلیت گناه کردن را خواهیم داشت، اما از قدرت حاکم گناه بر وجودمان آزاد شده‌ایم و دیگر نباید تسلیم آن شویم. ما هر روز باید تمایلات گناه‌آلود خود را تحت کنترل خدا قرار دهیم، هر روز آنها را بر صلیب مسیح میخکوب کنیم، و لحظه به لحظه قدرت روح‌القدس را بر آنها مسلط سازیم.

^{۲۵:۵} نه تنها جنبه روحانی، بلکه همه قسمت‌های زندگی ما مورد نظر خداست. وقتی ما با قدرت روح‌القدس زندگی می‌کنیم، باید تمامی زوایای زندگی خود را - یعنی جنبه‌های احساسی، فیزیکی، اجتماعی، فکری، شغلی - تسلیم خدا کنیم. پولس می‌فرماید: «شما نجات

۴ هر کس وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد؛ آنگاه از کار خود رضایت حاصل خواهد کرد و دیگر نیازی نخواهد داشت که خود را با دیگران مقایسه کند؛^۵ زیرا هر یک از ما، مسئول اعمال و کردار خود می‌باشد.

۶ آنانی که از کلام خدا تعلیم می‌بینند، موظفند به معلم خود پاداش خوبی بدهند. ۷ اشتباه نکنید، هیچکس نمی‌تواند خدا را بفریبد؛ هیچکس از مکافات الهی در امان نخواهد بود؛ زیرا هر کس هر چه بکارد، همان را درو خواهد نمود.^۸ اگر کسی تخم هوی و هوس خود را بکارد، فساد و نابودی روح خود را درو خواهد کرد؛ اما اگر بذر اعمال نیک روحانی را بکارد، از روح خدا حیات جاودانی را درو خواهد کرد.^۹ پس ای برادران، از انجام کار نیک خسته نشویم، زیرا بزودی پاداش خود را درو خواهیم کرد، بشرطی که دست از کار نکشیم.^{۱۰} بنابراین، تا جایی که می‌توانیم، در حق مردم، بخصوص مسیحیان مؤمن، نیکی بنماییم.

توصیه‌های پایانی

۱۱ در خاتمه، می‌خواهم چند کلمه‌ای هم با دست خودم بنویسم. ببینید با چه حروف درشتی این مطالب را می‌نویسم!^{۱۲} کسانی که می‌کوشند شما را وادار

۶:۶

روم ۲۷:۱۵

اقرن ۱۴، ۱۱:۹

۷:۶

اقرن ۹:۶

اقرن ۶:۹

۸:۶

ایو ۸:۴

روم ۹:۱۴-۱۵

یعقو ۱۸:۳

۹:۶

متی ۱۳:۲۴

۲ تسلا ۱۳:۳

۱۰:۶

یو ۴:۹

افس ۱۹:۲

۱ تیمو ۱۸:۶

عبر ۶:۳

۱۱:۶

اقرن ۲۱:۱۶

عجیب نباشد که درباره دوستانان بدگویی کنید و مدتی بعد متوجه شوید که دیگر دوستی ندارید. قانون زندگی، چه در حوزه روحانی و چه در حوزه جسمانی، اینست که "هرچه به کاری همان را درو خواهی کرد". هر عملی نتایجی بدنبال دارد. اگر شما تخم هوی و هوس خود را به کارید، یأس و شرارت را درو خواهید کرد؛ اگر چیزی را به کارید که خدا را خشنود می‌سازد، شادی و حیات جاودان را درو خواهید کرد. چه نوع بذری را در خاک زندگی خود می‌کارید؟

۱۰ و ۹:۶ چقدر دلسردکننده است که انسان به انجام کارهای نیک مشغول باشد، اما هیچگاه تشویق نشود، یا مورد قدردانی قرار نگیرد، یا نتیجه ملموسی نبیند. اما پولس غلاطیان و ما را دعوت می‌کند تا به انجام عمل نیک ادامه دهیم و برای دریافت نتایج آن به خدا اعتماد داشته باشیم. در وقت مقرر، خرمی از برکات را درو خواهیم کرد.

۱۱:۶ تا این قسمت، پولس نامه را برای یک منشی دیکته می‌کند. حالا قلم را بدست می‌گیرد تا سلامهای آخر و سخنان شخصی را خودش بنویسد. او این کار را در دیگر نامه‌هایش هم کرد تا تأکید بیشتری بر گفته‌هایش بگذارد و ثابت کند که نامه واقعاً از طرف خود اوست.

۴:۶ وقتی شما وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهید، از نتایج آن مطمئن می‌شوید و لازم نیست خود را با دیگران مقایسه کنید. مردم به دلایل زیادی خود را با دیگران مقایسه می‌کنند. برخی عیوب دیگران را نشان می‌دهند تا نسبت به آنها احساس برتری کنند. دیگران فقط می‌خواهند یک بار دیگر مطمئن شوند که وظیفه خود را خوب انجام می‌دهند. وقتی شما وسوسه می‌شوید که خود را با دیگران مقایسه کنید، به عیسی مسیح نگاه کنید. الگو قرار دادن مسیح، این نیرو را به شما می‌بخشد که وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهید، و وقتی از هدف خود قاصر می‌آیید، آغوش پرمهر او شما را می‌پذیرد و تسلی می‌بخشد.

۶:۶ پولس تأکید می‌کند که باید مسئولیت خود را در قبال تأمین نیازهای مادی معلمین خود به انجام برسانیم (اقرنتیان ۷:۹-۱۲). بهره‌مند شدن از تعالیم کتاب مقدس، بدون بها دادن به رهبران روحانی و با بی‌اعتنایی به نیازهای مالی و جسمانی آنها، کار بس آسانی است. ما باید به فکر آنها باشیم، نه با اکراه و بی‌میلی، بلکه با گشاده‌دستی، احترام و قدردانی از خدمتی که می‌کنند (۱ تیموتائوس ۵:۱۷ و ۱۸).

۸ و ۷:۶ چقدر عجیب خواهد بود که شما در مزرعه هندوانه به کارید و از آن کدو حلوائی درو کنید. اما شاید

کنند که ختنه شوید، فقط یک انگیزه دارند: اینکه به شهرت و احترامشان لطمه‌ای وارد نشود و از زحمت و آزاری که در اثر اعتقاد به «نجات از طریق صلیب مسیح» متوجه آنان می‌شود، در امان باشند.^{۱۳} اینگونه معلمین خودشان ختنه شده‌اند، اما حاضر نیستند سایر احکام شریعت را رعایت کنند؛ و فقط می‌خواهند که شما نیز ختنه شوید تا بدین وسیله افتخار کنند که شما را مرید خود ساخته‌اند.

۱۳:۶
روم ۲۵:۲

^{۱۴} اما خدا نکند که من به اینگونه مسایل افتخار کنم. تنها افتخار من، همانا صلیب خداوند ما عیسی مسیح است. بلی، بسبب همین صلیب، تمام دلستگی‌هایی که در این دنیا داشتم، مصلوب شد و از بین رفت و من نیز نسبت به گرایشهای دنیا مصلوب شدم و مردم.^{۱۵} حال، مهم نیست که ختنه شده‌ایم یا نه. تنها چیزی که مهم است، اینست که آیا واقعاً دگرگون شده‌ایم و انسان جدیدی گردیده‌ایم؟^{۱۶} آرامش و رحمت الهی نصیب تمام کسانی باشد که به این شیوه رفتار می‌کنند، که اینان قوم واقعی خدا هستند.

۱۴:۶
روم ۶:۳ و ۲۵:۲
اقرن ۲:۲
غلا ۲۰:۲
کول ۲۰:۲

^{۱۷} دیگر از این پس درباره‌ی این موضوعات با من بحث نکنید! تحمل زخمهایی که دشمنان عیسای خداوند در بدن من ایجاد کرده‌اند، کافی است. همین زخمها نشان می‌دهد که من خدمتگزار او هستم.

۱۵:۶
اقرن ۱۷:۵
غلا ۶:۵

^{۱۸} برادران عزیزم، فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح همه‌ی شما باد. آمین.

۱۶:۶
غلا ۷:۳
فیل ۳:۳

۱۷:۶
اقرن ۱۰:۴ و ۵:۱
کول ۲۴:۱

۱۸:۶
روم ۲۰:۱۶
تیمو ۲۲:۴

باشید. داشتن یک زندگی «خوب» بدون دگرگونی درونی منجر به روحانیتی کم‌عمق و توخالی می‌شود. آنچه که برای خدا حائز اهمیت است، این است که کاملاً از درون و برون دگرگون شویم (۲قرنیتان ۱۷:۵).

۱۸:۶ رساله پولس به غلاطیان، به‌طور مشخص آزادی مسیحی را بیان می‌کند. بی‌شک مسیحیان اولیه در غلاطیه این میل را داشتند که در زندگی مسیحی رشد کنند، اما عده‌ای ایشان را گمراه می‌کردند؛ این عده همان کسانی بودند که می‌گفتند رشد مسیحی تنها با نگاه داشتن احکام مذهبی مشخصی امکان‌پذیر است.

چقدر غیرعادی است که کسی که از زندان آزاد شده، مجدداً به سلول برگردد و نخواهد آنجا را ترک کند! چقدر غیرعادی است که حیوانی که از دام و تله‌رهایی پیدا کرده، مجدداً به آن باز گردد! چقدر تأسف‌بار است که ایمان‌داری که از اسارت گناه رهایی یافته، بکوشد خود را اسیر مشتی مقررات مذهبی سازد! اگر به عیسی مسیح ایمان آورده‌اید، آزاد شده‌اید. به‌جای اینکه به نوع دیگری از بردگی باز گردید، چه بردگی شریعت باشد و چه بردگی گناه، از آزادی خود برای زندگی کردن برای او استفاده کنید و او را آنطور که دوست دارد، خدمت کنید.

۱۳:۶ بعضی از شریعت‌گراها روی ختنه به‌عنوان محک قدوسیت تأکید می‌کردند، در حالی که توجهی به دیگر احکام شریعت یهود نداشتند. مردم اغلب یک اصل یا یک حکم را انتخاب می‌کنند و آن را ملاک سنجش ایمان قرار می‌دهند. برخی ممکن است مستی را گناه بدانند، اما نسبت به پرخوری بی‌اعتنا باشند. دیگران از بی‌بندوباری جنسی منزعجند، اما با تبعیض‌ها کنار می‌آیند. تمامیت کتاب مقدس ملاک ایمان و عمل ماست. ما نمی‌توانیم احکامی را از آن دست‌چین کنیم و طبق آنها عمل نماییم. **۱۴:۶** دنیا پر از چیزهای فریبنده است. ما هر روز با فشارهای فرهنگی که با ظرافت زیادی بر ما وارد می‌آید، و با شعارهای توخالی که آشکارا بیان می‌شود، روبرو هستیم. تنها راه فرار از تمامی این تأثیرات مخرب این است که از خدا بخواهیم تا به ما کمک کند نسبت به آنها بمیریم، درست همان کاری که پولس کرد. تاچه حد دلستگی‌های این دنیا برای شما اهمیت دارد؟ (برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد، مراجعه کنید به ۲:۲ و ۲۴:۵).

۱۵:۶ ما خیلی راحت می‌توانیم گرفتار امور ظاهری بشویم. از کسانی که نسبت به باطن بی‌توجه هستند و فقط بر کارهایی که باید کرد یا نکرد تأکید می‌کنند، برحذر